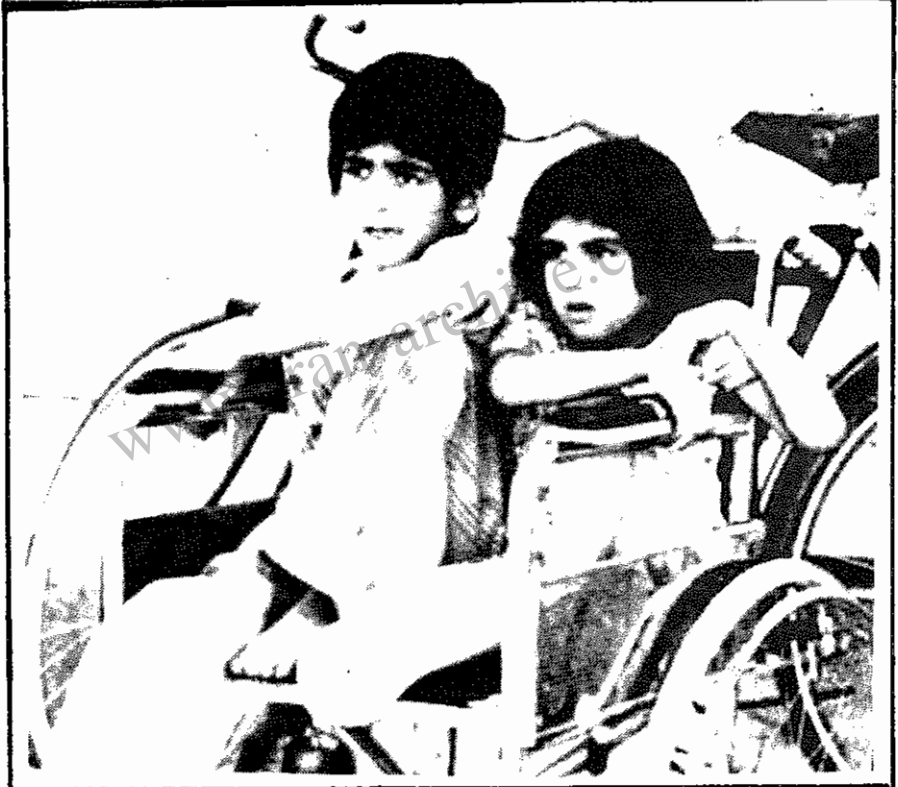




آرمان

شماره ۱۷-۱۸ خرداد - تیر ۱۳۶۵

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



جنگ افروزان!
ننگتان باد

فهرست:

- ۱ - سازماندهی جنبش صلح در بستر ابتکار توده‌ها وظیفه اساسی ماست
- ۲ - افزایش روند وابستگی به امپریالیسم در زمینه محصولات کشاورزی
- ۳ - به مناسبت روز جهانی کسودک
- ۴ - وضعیت اسفبار دانشجویان ایرانی در آمریکا
- ۵ - دزرنسکی مشت پولادین انقلاب
- ۶ - با پایان سال تحصیلی، سرگردانی و بیاتکلیفی خیل عظیمی از کودکان و نوجوانان آغاز می‌شود
- ۷ - مرز شر در جمهوری اسلامی
- ۸ - پاسخ گویا جف به پیام شهرداران هیروشیما و ناگازاکی
- ۹ - نئین و جوانان (۲)
- ۱۰ - نواستعمار در عرصه‌های سیاسی و نظامی
- ۱۱ - می‌شنوم که تو دیگر نمی‌خواهی با ما همکاری کنی
- ۱۲ - بچه‌های کیشای بصره
- ۱۳ - "بهارادی داسان" شاعر بزرگ ارومانیست شامسیل
- ۱۴ - چگونه نگون جوان "هوشی مین" کمونیست شد؟
- ۱۵ - کمون پاریس
- ۱۶ - گفته‌ها و نکته‌ها
- ۱۷ - سند یگالیسم در قلب تحصیل
- ۱۸ - ما پشتیبان مبارزات جوانان ایران علیه رژیم و برای صلح و آزادی هستیم
- ۱۹ - بهداشت و درمان در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی
- ۲۰ - اعتیاد، سرقت و جنایت
- ۲۱ - جوانان و دانشجویان درج ۱۰
- ۲۲ - جوانان و دانشجویان در جهان

آرمان - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران
دوره سوم - سال دوم - شماره ۱۸ - ۱۷ - خرداد - تیر ۱۳۶۵
بها معادل ۲ مارک آلمان فدرال

ARMAN

REVIEW OF THE FOREIGN BUREAU OF THE ORGANIZATION OF DEMOCRATIC

YOUTH AND STUDENTS OF IRAN

PRICE: 2 D.M. OR ITS EQUIVALENT IN ALL OTHER COUNTRIES

سازماندهی جنبش صلح

در بسترابتکار توده‌ها

وظیفه اساسی ماست

بار دیگر امسال، سال "تعمین و تکلیف قطعی و نهایی" جنگ اعلام شد. خمینی و دیگر سردمداران جنایند رزیم ترنندها، ترسدستیها و نیرنگهای مذهبی ناسیونالیستی و شبهنسنی را کهای بنی ثفاونی، مقاومت و مدالفتحای عیان و شهبان مردم رو برشود ماست کاهای ندانسنه و ناگزیرشد ماندهایی پرد و آشکارسنه نهای کردن همه ابعاد و عرصه‌های جامعه بپردارن انشون دیگرگفن پوشاندن کودگان و سالمدان، نوحه‌خوانی‌ها و وسینه زدنها، پرستش مرگ و شهادت طلبیهایی بی‌سرانجام، تلیدهای پلاستیکی د رواره طلائی بیشت و سفارشنامه‌های ورود بان باصرو امانا "حج اسلام" و "آیات عظام" که بگسردن ساده دلان آرزومند (که همه آرزوهای خود را د رزیم خمینی بر یاد رفته می‌پنند) آوزان نهاد رجیب آنان جای می‌گرفت به تنهایی د ر سازمانت. د رکنسار استفاده گسترده از همه اشغال و باورهای مذهبی. د ر تمام کشور وضعیت جنگی اعلام می‌گردد و مفرات زمان جنگ برقرار می‌شود. د ر همه ادارات، کارخانها، مدارس و محلات تشکیل سنادهای جنگ ضرور می‌شود نه فقط کارگران، کارمندان معلمین، دانشجهان و محصلین بلکه همه مردم موظف بسنه برکردن مردهای "تعمین تکلیف" می‌شوند. همه اقتصاد کشور بطور کامل د ر خدمت جنگ د رمی‌آیند.

"خط سولیدگارخانه‌ها و کارهاها برای ساختن سلاح عومری می‌شود." "هنرسانهای کشور د خدمت مهمات سازی" قرار می‌گیرند، به "تمام شائیکه قدرت برداشتن اسلحه دارند" تکلیف می‌شود که بسنه جیبها برونند. همه جوانان "آموزش دیده و ندیده" بمضام جباری فراخواند می‌شوند و به شکار انهدار کوجه و حیابان، د ر خانه و محله مشغول می‌شوند. "دوازده هزار رایگا و ناحیه بسیج" آماده اعزام نیروها به جیبها می‌شوند. شرکت گسرد و زنان ود دختران محروم از هرگونه حقوق انسانی "تکلیف شرمی" می‌شود. اداره کشور دست خواهران عزیز سپرد می‌شود و ووو... باد ر راستای مناسف، مطامع و اهداف رزیم "اسالده" برای برگزیده نیرو به جیبها اعزام گردد و این نیروها بکنه رضایی فرمانده سناه پاسداران، نما "شانهای پیشرفتهها" بها های مدرن "بلیکها" وسایل سیک و نیمه سنگین "د ر سرتاسر جیبها گسرد و جنگ و خط مرزی د ر مصاف با نیروهای عراقی بتوانند "کار جنگ رایگسره نمایند و ارتش عراق را تجزیه نمایند.

تجلی این سیاست د ر عرصه آموزش و پرورش، بهرجهه تضریر گزچیره جنایتکار رژیم است. برای اعزام معلمین و دانش آموزان کدر سال گذشته ۱۲۸۰۰۰ نفر را شامل شد ماست (کیهان ۵ اموردین ماه) "همه مراکز تربیت معلم و همه مدارس کشور زین پوشش آموزش نظامی برونند و وزیر آموزش و پرورش اعلامی کند که د ر سال آینده ۱۰۰۰/۱۰۰۰ نفر دانش آموز پسر سال د و مود ر صورت لزوم سال سوم راهنمایی آموزش نظامی خواهند دید و هم اکنون سیزده آموزش و پرورش آماد ماست تا ۱۰۰۰/۱۰۰۰ دانش آموز بجهها اعزام نمایند (اطلاعات ۱۸ مرداد).

آری جنگ ایران و عراق کماذنون بعثت صدها هزار کشته مجروح و معلول، آوارگی میلیونها هموطن، ویرانی دهها شهر و صد مارتوا، تخریب و ویرانی زیرساخت مادی و فنی کشور تاراج میبارد. هاد هاد آمد نفت، پروا شدن بی سابقه بازار ایران و غارت بی حد و حساب زحمتکشان، احیا و نوسازی وابستگی بسه امپریالیسم، سرکوب و کشتار بی سابقه نیروهای خلقی و مردمی و اختناق سیاه همراه بود. ماست. در آستانه ششمین سال خود پیش از هزمرانی با دهای سرگ و ویرانی، گرسنگی، فحطی، بیکاری و وابستگی بیش از پیش از اقتصاد زیم اسلامی سرچشمه میگیرد در آسمان و هن یلادیده ماگسبرد ماست.

زیم بمبانه حمله ضمنی و نهائی تدارک کشتار همتانی را در شرایطی فراهمی نماید که همه واقعیات از پیهودگی، بی سرانجامی، عدم امکان پیروزی نظامی وین بست جنگ گواهی می دهند و "فتح نزدیک" و "پایان افتنا آمیزی" برای جنگ ایران و عراق مصور نیست.

دری عملیات و العجر الواعبا دار زارتلیخاتسی وسیع، عوامه پیا نه تهدید آمیزی همراه بود ارتش عراق دست بمحلات پیاپی زد حاصل این حملات کمبیزه در مناطق حاج عمران، عین حوس، قلعه، سوما و سرانجام پهران از شدت حاصی برخورد ار بود اشغال مناطق دیگری از کشور را توسط نیروهای عراقی بود. علاوه بر این هفتای نیست که بیاران تاسیسات نظامی و اقتصادی کشور را به بیساران پالایشگاه تهران و از راه اتان در مراکز ارتباط تلفنی با دنیای خارج تنها گوشهای از آنست صبح گردیده باشد.

بن بست جنگ نه تنها در جبهه ها ندر جبهه

داخلی نیز چهره عریانی دارد. موج ناخشنودی و ابراز مخالفت آشکارا ادامه جنگ اگرچه هنوز بشکل سازمان یافته تجسم یعنی پیدا نکرده و به ریا روشی مستقیم و چهره به چهره با زیم زد نامد ماست اما خود داری از کمک به جبهه ها، امتناع از رفتن بسه جبهه ها، خود زنی برای عدم شرکت در جنگ، افسار از جبهه ها، پناه دادن و مهاجرت ناگزیر و گسترده، جوانان به خارج از کشور علیه رژیم هجوم ها و بگریبند ها و گروگانگیری خانوادها برای تحویل مرزندان خود از آنچنان شتاب و سطح ملموسی برخوردار است که رژیم چارای جز اعمال قهر آشکارا و انواع تفتیشیات بورولر انیک ندارد، برای نمونه کا فست با اطلاعیه

اداره وظیفه عمومی منتشره در کیهان مورخ ۱۲ خرداد اشاره شود. در این اطلاعیه "فائشین خدمت نظام" و "کارفرمایانی که مشمولین غایب رانیکار میگیرند" بهجاراتهای سنگین تهدید شد ما نند و علاوه بر آن بر طبق ماده ۱۰ قانون وظیفه عمومی "هرگونه استخدام، ثبت هرگونه نقل و انتقال غیر قهری اموال، دریافت سمنری از نهادها، دریافت هرگونه وام و کمکهای کشاورزی و صنعتی، صد و ویرانه کسب و صنعتی در شرکت های تعاونی، تحویل اصل پایان نامه های تحصیلی" از این پس به ارائه مدارک مربوط به تعیین "وضع مشمولیت آنان" از اداره وظیفه عمومی منوط گردید ماست.

مردم دیگر از کمک به جبهه ها و پشت جبهه ها نیز علیه رژیم فتوای جبینی دایر بر آنکه "واجب کفالتی شامل اموال نیز می شود" خود داری می نمایند. در این رابطه نیز رژیم ناگزیر به شیوه های خشونت آمیزی متوسل شد ماست بعنوان مثال زنان رابه بیانه های گوناگون در خیابانها، پارکها و اماکن عمومی بازداشت

گرفراست. تو د مها از خمینی و زینبش روی برتاقتند ،
نارصاحتی عمومی کفایتی از سیاست ارتجاعی ضد
مردمی و اختناق سپاه حاکم برجایمانست اکنون
گسترده های بهمنیای ایران راد برگرقتاست .

اختلافات سران و دست اندرکاران حکومت در همه
سطوح نظامی و غیرنظامی آشجان حدت پیدا کرده
است کعد رمواری به رهبری روشی آشنا رشید مشد است
یا آنجا که خمینی بارد یگر صحنه آمد و ریاکارانه از همه
طلب در که "برادری و وحدت" را حفظ نمایند و
برای آنکه این برادری راد رعل مادی تجسم بخشد
بارد یگر تاکیدی می کنند که "مردم راد ر امور شرکت دهید
د تجارت شرکت دهید ، د فرهنگ شرکت دهید ،
اگر می خواهند مدار دست نند کارشکنی نکنند"
و ... بدین ترتیب طنین پرهیا هوونفرت انگیز
هجوم موج انسانی بعجبهها با شمار "فتح نزدیک"
و "پایان افتخار آمیز جنگ" هکسر مردن آن د ارسال
برخواستاز بن بست و بحران همجانیه رژیم پوشش
خونی است بعقمت جان و نانو زندگی بیشمار در
مقابله با آن . باید د برابر این آسباب خون کسه
حیات رژیم بآن وابستاست بها خاست به یمن آگاهی
و تنفرتو د مها کماز تجربه ملموس آن هاد ر طول حیات
این نظام پایه می گیرد و د ر متن بحران و بن بستی که
سراپای نظام اسلامی راد برگرقتاست اکنون
بمرا تیب بیش از هر زمان دیگر شعرا صلح بعطایسه
شواست عموم خلق مورد پذیرش همجامعه قرار می گیرد
می توان و باید این شعرا را با هم ران تکان نبروندی
بقیه در صفحه ۳۰

می کنند و به ارد و گاهای کار اجباری گسیل می نمایند .
د این ارد و گاهها آنها و اداری شوند امور مربوط به
پشت جبهه راکه پیشتر از طریق کار د اولیایان انجام
می شد انجام دهند .

د رژیمه مالی نیز رژیم علیهها اختیاص پیش از یک
سوم بود چه کشوره جنگ نینها قادره تامین هزینهها
های آن نیست بلکه د ر افلاص مالی دیت و بیای
می زند ؛ ساختار اقتصادی وابسته د نظام جمهوری
اسلامی و گاهین شدیدا استخراج ، محدود و ریزش نفت
جرخ تولید بسیاری از کارخانهها را از گردن بر انداخته
است و با پاکه هیش شدیدا تولید و تعطیل طولانی آن
مواجه نمود است چرا که به گفته زمامداران رژیم
د ر آید ایزی کشور د رسال آینده از حدود ۷-۸
میلیارد دلار تجارتی کند و این مبلغ جوابگوی خرید
مواد اولیه حتی کارخانههای داخلی نیست حتی
دیت اندر کاران رژیم اعتراف می کنند که امسال تولید
صنعتی کشور نصف تولید پیدا خواهد کرد . بیکاری
کیرانی ، کمبایی و نبود مایحتاج عمومی ، مرفوشا ر بازم
بیشتره زندگی زحمتشان پیامد مستقیم چنین وضعی
است و بدیهی است هیا هوی مبارزه با "محتکران"
نیخواهد توانست تو د مها را بفریبد ؛

راهی که رژیم در خروج از این بن بست در پیش
گرفتاست راه گسترش باز هم بیشتر مناسبات با دنیای
امپریالیستی و تامین مستقیم نیازهای نظامی و غیر
نظامی از بازارهای امپریالیستی و دیک کسلا م
وابستگی بازم بیشتر و عریان تر از گذشته است .
د رژیمه سیاسی رژیم در بحران همه جانبیه

جوانان! جبهه های جنگ نافرجام را رها کنید و

نیروی متحد خود را برای سرنگونی رژیم بکار اندازید!

افزایش روند

وابستگی به امپریالیسم در

زمینه محصولات کشاورزی

در دوره اخیر بحرانی را که امپریالیسم با صدور سرمایه به کشورهای در حال رشد تحصیل کرده برآیند خود را غیر از زمینه‌های صنعتی در مورد بیشتر از جهات دیگرشان می‌دهد یکی در بالا رفتن بد می این کشورها به کشورهای امپریالیستی و مستعمرات بین المللی پول، که صوما باعث ورنگستگی اقتصادی آنان گردیده و حکومت‌های مختلف از خونت‌های نظامی گرفته تا بورژوازی‌های پانسانستفاد از عهد می‌زیرد احت اصل و فرع این و امها برآیند با جا زرنچنگال امپریالیسم گرفتار رود ست وها می‌زند .
 نمونه برجسته این گرفتاری را می‌توان در رسیمای حکومت‌های امریکای لاتین مانند بزیل با بیشتر از ۸۰ میلیارد دلار بد می و با آرزانتین و شیلی مشاهده

کرد . نکته قابل توجه در مورد این کشورها خود کفایی آنان از نظر محصولات کشاورزی و مواد غذایی اصلی است و با حدودی صا رکنند و نیز می‌باشند . اما سیستم حکومتی وابسته آنها فرصت صنعتی شدن نواقعی یا انتخاب راه رشد غیر وابسته را بآنان نمی‌دهد .
 شکل دیگر تکمیل بحران عبارت است از رونقند تخریب تولیدات کشاورزی و ایجاد اشکال در تهیه حیاتی‌ترین محصولات غذایی مورد نیاز در کشورهای دیگر زیر سلطه است . این بحران و گرفتاری‌های ناشی از آن به اندازه‌ای عمیق است که هر نوع حرکت استقلال طلبانه و آزادی‌خواهانه را از این کشورها سلب می‌کند ، نمونه بارز این کشورها را می‌توان در ر سیمای ایران زمان شاه و جمهوری اسلامی ، همچنین مصر و سودان و بعضی کشورهای آفریقای مشاهد می‌نمود .
 بنا می‌گذرایه روند صعودی واردات غلات در دهه گذشته و افزایش آن در سالهای اخیر بحوی سند این وابستگی اقتصادی را آشکار می‌سازد . با استفاده از آمار و اطلاعات رسمی حکومتی بر احنسی می‌توان این ادعا را به نیوت رسانید .

میزان واردات غله در

۸ سال گذشته

سال مورد گزارش	نوع غله	میزان واردات به هزار تن	درصد واردات به هزار تن
۱۳۵۵	کدام مواد است	۱۲۱۷	۱۰۰
۱۳۵۶	"	۱۲۱۰	۱۰۰
۱۳۵۷	"	۱۹۹۱	۱۶۳
۱۳۵۸	"	۱۱۷۲	۹۶
۱۳۵۹	"	۱۲۹۹	۱۰۶
۱۳۶۰	"	۲۵۲۷	۲۰۷
۱۳۶۱	"	۲۱۰۱	۱۷۲
۱۳۶۲	"	۲۲۵۲	۱۸۵

با وقوع انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ مردم ایران بر توقف و یا گام‌های هر این روند وابستگی امید بسته بودند ولی با رؤیای غاصبین زحیمی انقلاب از مردم این وابستگی به امپریالیسم پنهان‌ها هت‌سیاست پل‌سده سیرضمودی به خود ثروت و درآمد و وضعیت اعضاء و دورما براسب بدسزازهه شورمای زسر سلطه آمریقای لائین ویا آمریکا خواهد بود زیرا هم وارد کنند و حیاتی ترین محصولات غذایی و کشاورزی هم‌سپه هم‌پا هت‌در قیمت نفت وروش آن شیرند و وامهای چند میلیار دی نیز خواهیم بود .

"بهارادی داسان" شاعر ...

بیه از صفحه ۲۴

ترجمه گردیده است. از جمله "لیخند زیبای" به انگلیسی . در جمعی‌های مختلف اتحاد شوروی نیز ترجمه شده است. همچنین اشعری که به فارسی برگردانده شده در پشت و روی جلد مجله (شماره آوریل) چاپ گردیده است.

طفت چاپ فارسی شعر، در پشت جلد مجله، اهمیت موضوع جنگ و پایمالی حقوق بشر در ایران و مبارزه پر شور میهن پرستان ایرانی، طله جنگ و نابرابری است، که بهارادی داسان بر آن ارج می‌نهد، و هم رابطه ای است احساسی بی‌سین انتشار دهند. مجله و مبارزه میهن پرستان ایرانی و ناپاکتر عشق ایرانیان میهن دوست به فرهنگ و ادب مردمی در هر گوشه از جهان . د بهر مجله در این ویژه نامه این ۲ شعر را در تلاقی برگزاری جشن سده بهارادی داسان به خوانندگان مجله اش تقدیم کرده است و مترجم و بازسراینده‌های به تمام آنانکه در راه صلح و سعادت انسانها پیکار می‌کنند و به آنانکه امروز بچند کشید شده‌اند و آنانکه سرداران سردار راه آزادی بودند و سلاجشان را جلا دادند و به دست نیاگان نشان بیادگار گذاشته‌اند، تقدیم می‌کند .

جدول مورد نظر خوس سیرضمودی واردات از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۲ نشان می‌دهد براساس این جدول واردات غلات از یک میلیون و بیست هزار تن در سال ۱۳۵۵ به چهار میلیون و چهارصد و پنجاه و دو تن در سال ۱۳۶۲ و قیمت آن از ۲۰۰ میلیون دلار به حد و یک میلیارد دلار رسید است.

باید توجه داشت که کشورهای فروشنده اصلی غلات در درجه اول آمریکا و سپس کانادا و آترانتین و استرالیا می‌باشند و شورایر براساس سنت وارداتی گذ شت‌مورد همچنان غلات، وارد می‌از خود را از طریق مسخیم غیر مستقیم واسطه گیری تا بلند، پاکستان ویا ترکیه همچنان از آمریکا وارد می‌کند . ناگفته نماند بعد از قلام وارداتی فوق میزان واردات برنج و سایر احتیاجات مورد نیاز غذایی کشور کنیا بیده سخته بلکه فقط واردات غلات مورد توجه قرار گرفته است. براساس آمارها علام شده مجدداً گنصیزان واردات را محدود ۵/۵ میلیون نیز تراشده اما مانده که از میزان ارقام فوق معادل یک میلیون تن بیشتر خواهد بود .

امین‌الهیسم آمریکا آغاز کراجرای سیاست مابودی تولیدات کشاورزی ایران و راندن کشور ما به طرف صادرات مطلق نفت و در قیمت تک محصولی بوده و ادامه دهنده بی چون و چرای این سیاست هستند خلقی رژیم کنونی ایران است.

ما - خدا ما را:

۱- آمار سازگانی خارجی ایران - کمرک ایران سالنامه‌های ۵۹ - ۱۳۵۵
 ۱- نگرشی بر کشاورزی بعد از انقلاب نشریه شماره ۱۷۴ اداره کل برنامه و بودجه وزارت کشاورزی و دامپروری
 در سال ۱۳۶۴

به مناسبت

روز

جهانی

کودک



ایران به علت سرسپردگی و سیاستهای ضد خلقی ضد انسانی خود، نه تنها به این حقوق اولیه بی توجهی و بی اعتنا بود مانند، بلکه با اتخاذ سیاستهای ناسازگار درست روز به روز عرصه زندگی را به میپوشها گسودن ایرانی تنگتر کرد مانند .

تغذیه و بهداشت

فقر و فلاکت مالی میپوشها خانواده ایرانی را در انحطاط مستقیم نظامات میثی برپه کشتی وابسته و عقب ماندگی مانند ایران است منجر به بیابسی شد فاست که اکثریت کودکان کشور ما از حداقل تغذیه سالم و کافی محروم بوده و به انواع بیماریهای کشنده ناشی از سوء تغذیه است مبتلا گردند . در حالیکه مصرف روزانه پروتئین در کشورهای رشد یافته ۷۰ گرم و حداقل مصرف پروتئین در بسیاری از کشورهای رشد یافته ۲۰-۱۹ گرم در روز است بنا بگفته معاین امور دام وزارت کشاورزی، مردم ایران روزانه فقط ۹ گرم پروتئین حیوانی مصرف میکنند . ایسین

۳۶ سال از ابتکار مشترک فدراسیون بین المللی زنان دمکرات و اتحادیه جوانان دمکرات میگذرد . آنچه اهداف این ابتکار شایسته را تشکیل می داد که در سال ۱۹۵۹ از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز گذشت، دفاع از کودکان در مقابل استثمار آنان، تأمین تدرستی و سلامت کودکان و تحقق آموزش و پرورش دمکراتیک آنان بوده است . به این مناسبت هر ساله منطبق بر این اهداف و در راستای آرزو و خواست پدران و مسادران و اهمیت آن برای جامعه، از آنجائیکه کودکان امروز، مردان و زنان فردای جامعه هستند، روز اول ژوئن به روز سیچ همه جانبه افکار عمومی برای دفاع از کودکان با تاکید ویژه ای بر نقش و مسئولیت جامعه در برابر کودکان برگذار می شود . اعلامیه حقوق کودک با این جمله آغاز می شود: سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوی هر ملتی باشد . نگاهی گذرا به پهنی عرصه های مختلف زندگی غمانگیز و دردناک کودکان میهن ما نشان دهند و این واقعیت است که رژیم های قبلی و فعلی

استانهای کشور متمرکزند، تاها این امکانات جوابگی مراجعات حتی مردم همین شهرها نیستند تاظا از وسایل و تجهیزات کافی برخوردار نیستند در حالیکه هر ساله ۱/۲۰۰/۰۰۰ کودک متولد می شوند تنها ۱۲۶۰۰۰ مادر تحت پوشش مراکز بهداشت دران بارداری قرار دارند . سیستم

ولوچستان با ۸۲۹/۰۰۰ نفر جمعیت ۸ پزشک اشغال و استان ایلام با ۲۶۶/۰۰۰ نفر جمعیت تنها ۲ پزشک اطفال و ترکمن صحرا با جمعیتی بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر تنها یک پزشک متخصص اطفال دارد . (اطلاعات ۲۲ اسفند ۶۲)

شیرخوارگاه و مهدکودک

در حال حاضر صدها هزارتن از زنان ایران به عنوان کارگر، کارمند، معلم، پزشک، پرستار و غیره به کار مشغولند . محدود بودن تعداد شیرخوارگاهها و مهدکودکها و بالا بودن هزینه نگهداری کودکان در مهدکودکها، مخالفت نظام اسلامی با شیرخوارگاه و دیگر موسسات نگهداری کودک برای کودکان زنان شاغل مشکلات، محطرات، بیماریها و نا هنجاریهای زیادی بوجود آورده است . در سراسر ایران با ۴۵ میلیون جمعیت در حال افزایش تنها ۲۲۹ مهدکودک وجود دارد که از این تعداد ۸۴ باب آن در تهران و ۱۰۸ باب در دیگر شهرهای بزرگ و تنها ۲۷ باب آن در شهرهای کوچک قرار دارد . (کتاب آمار ایران)

آمادگی و دبستان

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی هر کودک ایرانی باید قبل از ورود به دبستان دوره پیشالاه آمادگی را بطور رایگان بگذراند . ولی تعداد کلاسهای آمادگی موجود در سطح کشور به هیچ وجه پاسخگوی میلیونها کودک دوره آمادگی نیست و تنها تعدادی از این کودکان بقیه در صفحه ۲۲

منور همه واقفیت زندگی در جامعه اسلامی نیست زیرا در ایران امروز هنوز هستند روستاهاییکه کودکان ناگزیر به "چرا" برده میشوند و از پسرک درختان و لطفهای صحرایی و میوه درختان بلوط تغذیه می کنند و داس مرگ روزانه ۶۰۰ کودک را بعلت همین وضع و گرسنگی ذرومی کند .

بهداشت کودکان در نظام "اسلامی" از شرایطی به مراتب فاجعه بارتر برخوردار است . آماریکه دست اندرکاران "اسلامی" رژیم حاکم بر ایران پس از انقلاب بهمین ارائه می نمایند . حدیث سرنوشت اند و هکین کودک ایرانی است . بنا بر این آمار میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال بیش از ۱۵ درصد می باشد . به هته منافی ضر سابقه بهداشتی که در فیهان ۱۸ فروردین سال ۶۲ منعکس است :

مرگ ۸۰/۰۰۰ نفر از ۲۸۰/۰۰۰ کودک زیر ۵ سالی که در هر سال می میرند فقط در اثر یک اسهال ساده است * هم چنانکه بنا بر همین احصارات ، سالانه بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کودک ایرانی در اثر بیماریهای واگیر شناخته شد های چون سرخک ، فلج اطفال ، دیفتی از دست می رود و آسینیه نشدن کودکان در برابر امراض رایج کودکی آلوده بودن محیط زندگی و آب آشامیدنی غسیل اصلی فاجعه ایست که در جمهوری اسلامی رخ می دهد . در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد روستاهای ایران فاقد آب آشامیدنی سالم هستند . و این در حالی است که سازمان بهداشت جهانی بیش از ۳۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۵۵ اشعار "آب بهتر یعنی بهداشت بهتر" را در سراسر جهان مطرح کرده است . چنین است سیای ضد مردمی حکومتهای جابری چون رژیمهای ستمشاهی و ولایت فقیه در زمینه محروم کردن مردم ما از حداقل امکانات بهداشتی .

کمبود خدمات و امکانات پزشکی از جمله طبل دیگری است که کودکان ما را نشکفته بر می کند . واقعیات در این زمینه هولناکند . زیرا امکانات پزشکی، اولاً بطور عمده در تهران و مراکز بعضی

وضعیت اسفجان

دانشجویان ایرانی در آمریکا

اشاره: وضعیت دانشجویان ایرانی در آمریکا بسیار سخت و استعجاب انگیز است. در محنت و بلاهای فراوانی در میان جوانان و دانشجویان در محنت ایران در آمریکا در این باره بحث شده است.

سر - لطفاً در مورد تعداد دانشجویان ایرانی در آمریکا و چگونگی ورود به دانشگاه، توضیح مختصر بدهید.
ج - قبل از هر چیز لازم است که در طرف خود و دیگر اعصاب سازمان جوانان و دانشجویان در مکررات ایران در آمریکا از هیئت تحریریه آریان بخواهیم این امکان که برای ما بوجود آورد فایده ای تا نیم چند کلمات را جمع بوضعیت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا صحبت کنیم. متشکر کنیم اما در مورد سؤال شما باید بگویم که مطابق آمار مذکور که فائزاً مورد دانشجویان خارجی در دانشگاهها مستقر می کنند در آمریکا حدود ۲۱۰۰۰ دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در موسسات مختلف آموزشی عالی هستند. البته این احتیاط هم مابقی بوده و نمی پذیریم.

در مورد چگونگی ورود به دانشگاه مسئله بطور سرب است. در دانشگاه برای صادر کردن پذیرش از دانشجویی خواهد که بعد از ورود مورد قبول را باید سری مدارک تکمیل نماید. این مدارک عبارتند از:
پرسشنامه پرسشنامه دانشگاه، ترجمه ریز نمرات سال پایان تحصیلی در دو سوسه در پرستان، پرداخت ۲۰ تا ۲۰ دلار حق الزحمه بابت بررسی مدارک، و ریه مالی و در آزمون امتحان داخل. شکل تهیه و زمانی به دو صورت میسر است، یا اینکه دانشجویی بایستی مبلغی که حدوداً ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ دلار در مایل محیسر است در حساب بانکی خود واریز کرده است. اسناد نامه بانکی آن را بعد از دانشگاه ارائه کنند. و همچنین والدین دانشجویان بایستی متن دعوت را فرزند خود را مدام که در آمریکا مشغول تحصیل است نامیسن

خواهند کرد تهیه کرد. مؤان را همراهمایک نامه بانکی مینی برایشان سوانشی مالی آنها بطور غیر مصممیحسی از طریق دانشجویی برای دانشگاه ارسال کنند.

در مورد نمرات سطح داخل، نمرات داخل باید بود که معمولاً بایستی بین ۶۰ تا ۷۰ باشد. در آن صورت دانشجویی خواهد که در نمرات داخل کلاسهای زبان مستحق وارد دانشگاه شود. در غیر این صورت نباید حتی مدت یک ترم را به تحصیل زبان انگلیسی در یک موسسه زبان بگذرانند. سپس وارد دانشگاه شود. البته بد نیست که راجع به این نسوع کلاسهای زبان اشاره کنیم که این کلاسها هم به نفع درآمد قابل توجهی برای بسیاری از شهروندان آمریکائی شده است. در مورد عایب همین صاحبان این موسسات و برخی از معضلات در فارما سوسر دانشجویان خارجی وجود دارد. اغلب دانشجویان را در موقعی فراری دهد که نهایتاً نمرات صرف تحصیل زبان باشند و البته مشهوری که نگاه بالغ بر ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ دلار می شود بپردازند. باید اعلم کنیم که کیفیت این کلاسها اغلب پایین است و مد رسیدن آنها نیز با صلاحیت آنان در نمرات ندارند.

سر - وضعیت پرداخت شهریه چگونه است؟
ج - میزان شهریه در دانشگاهها بسته به عوامل از قبیل موقعیت جغرافیایی دانشگاه، دولتی یا خصوصی بودن آن و درجه اعتبار و قدمت دانشگاه است. علاوه بر این باید یک عامل دیگر را نیز در نظر بگیریم. آن بود که در دانشگاه در وقت از زمانی که دولت ریگان بخش یا نام بود چه بسیاری از دانشگاهها را هضم کرد، خود این امر باعث افزایش شهریهها را مادی و برابر شد. در حال حاضر می توانیم بگویم که دانشجویان بقیه در صفحه ۴۰

د زرژینسکی، مشت پولادین انقلاب

«گمونیست‌های آزادی به زندان تن می‌دهند»

و برای زندگی به مرگ

یاد آوردن او واد ششش به تسلیم و بیوسی آنچه آن دشوار
کردند به پیش از ۱۴ اما نتوانست د آزادی زندگی کند
برای آزادی رقیق نیز با روسیجی در خارج از
کشور را عا فاد ۲۰ نفرش را سازمانها و شخصیت‌های د منرات
و اهل عمومی جهان ریم با گنرشد این مبارز تسلیم سا
پذیرا آزاد کنند ۰ کمی پسر از آزادی علیرغم نهید ها
و فشارها و وعده موید های زندانیان خود د رضا حبه
بایک جبرنا ریلریشی کبری د دیدن او نیز ان رفعیود
از هم مجاسیتهای ریم پرد میرداشت ۰ اسلوت د ر برابر
اهل عمومی جهان و د ر برابر علم و تبعه ای ریم را شدت
د رجسایتهای ریم بلقی میزد ۰ اصدای وجدان
بیداری بود کسطنین آن در هیچ شرایطی نند زندان
و عدردوران گونا ف آزادی خاموش شد ۰ ۱۷ خرداد
۷۰ مردم مهاباد با تعطیل یکپارچه ۰ شریمنیج
با شکوه فرزند د لا و وجود پردا شدند و د رسومین روز د ر
گذشتش نیز محو حوا هی اتی به نظا هرات پردا سس مو
و سیج علیه جلادان پردا شدند ۰ یاد رقیق عزیز را با
پیامی دههه زندانیان سیاسی آن زمان بیاد دارند
و به لوش جان شنیدند ۰ گرامی میداریم :
"ما هزاران مریدیم ، هزاران نفر از ما شهید شدند با
د زنداسها پسیدند ۰ هزاران نفر از ما به میدان مبارزه
پشت کردند ، هزاران نفر د نیمه مرا عا نند ، اما هنوز
هزاران نفریم ۰ حزبی با این همه شهید و ماجر
با این همصحت جانی و نیروی حیات و مقاومت می‌تواند
پهروز نشود ، اگر همه جهان د روغ با شد این حقیقت

۱۵ خرداد ۷۰ : ریمو عزیز عمومی عا نخ و اسنوره
مقاومت شکنجه‌های شامه را از ۱۴ ماه آزادی از
زندان د رگذشت ۰ وی به سنگم مرگ ۵۱ سال داشت
نهیست و چند سالش با سر بلندی و وفاداری و ایسان
بقرمانهای خلق د ر سیجها لهای دشمنه مرگ گذراند
ریمو عزیز را به حزب بود ه ایران با حزب د منسرات
کردستان بود ۰ او د وران مبارزانش د و با راز داشت
و زندانی گردید و مین باز داشت و بیشتر از ۱۸ سال
طول کشید ۰ د ر طول این سالها عزیز را بخاطر روح
مقاوم و ایسان پهروشر به زندانها و تبعیدگاههای گوناگون
که ریم شامه برای ازاد آوردن مبارزان ساخت محمود روانه
ساختند ۰ مزدوران شاه د هم محال به آراوشندید خاطر
پردا شدند اما او با شکیبائی یک گمونیست تمام تبعیدگاهها
راد پهروزنگین نهاد پیروزی فردای سوده عا د ر نورید و
- رشوش د با - فاتحانه خواند :

"ما بسیا ریم ، ما با هر صید د و با هر منولده می شویم ، ما بسیا
جلجله عا د ره رسیا رازی گردیم ۰ ما د رای لای شیرین
ننا رگهوا ریداریم ۰ ما رنج و عشقیم که از حوض می روئیم ۰
ما بذ رو جت کلیم که مکرار می شویم ۰ ما آن زندگی هستیم که
پریشانهای مرگند همی گذارد و با لامی رود ۰ ما گمونیست
ها ۰۰۰ ما جهان نهمیم که با خون و لبخندمان شعوهای
آید هار رنگ می‌زنیم ۰ ما بسیا ریم ۰۰۰"
حاصل سالها زندان و تبعید برای عزیز ، عا رصه
د ر دنا ت کدی و بیماری سخت قلبی بود اما منتها
از د زمانش سر باز زدند حتی شرایط پهرا موش را برای از

نیز در نوع واقعاتی بیتر نیست."

"باید سراپا حرف و کابوس بود، باید از زندگی حدود چیزی مهلك تر از نیشرفعی و زهرهلاهل ساخت اینس هنوزگه فی نیست

باید حتی مرگ خود را بصورت دشمنای برای آخرین صریت و سنگر طبیعت برای آنها نیکمزم حاصلخیزما را ادا میخواهند داد در آورد

و باز این هنوزگه است

فرزندان "ارانی" و "رمیقان" "روزیه" هر دو را ز خاطرات و هر قدر با نیا دگا رهایی را که از خود بعارث می گذارند اگر نعبد زین از حرم داناتی و حقیقت لافل باید شماری از شحمزمین خون آلودی باشد که این حرم مقدس را بیارمی آورد."

هفتمینها هر سال یاد هوشنگ تیزایی قهرمان شهید نودهای در هرجان آزادهای گربا و روشنی می بخشد. پروازجانها شغرد چنین روزی ایشان حقیقت انقلابی است که خود بمتابنا روان سالار نسل جدید شهیدای تودهای از نغرت شروع کرد و به ایمان رسید. در بر تو همین ایمان حزبی بود که او در "دورانیکه" نتیجه یکی بخشی از جوانان و روشنفکران میهن ما را به عصیان و اد اشتمود "دست به انشمار" بسوی حزب زد تا اثبات کند که "بدون تودها هاری شرکت وسیع آنها، بدون حزب انقلابی نغودها سازمان دهد و رهبری کند هیچ انقلابی وجود ندارد."

دانشجوی سال پنجم پزشکی بود، جوانی پارسا قانع و پارسا بنوع هر جلوه خود آرائی و مبارزی بیگسرو چنینجور که با غمی چون سنگ حارا - سعیا رهنندان اماد، حدود ۶ سال در زندانها و شکنجهگاهها با صبر بی امان برداخت. وی چشم در چشم دشیمان حسود سهیب می زد:

"گیرم که زندگانی ما را گرفتید، با روح و سایه چسبید، روح ما در میان مردم باقی می ماند و با آنها سخن می گوید. در شکنجهگاه مقل طعمه روزه، سوت گرفتند که سارگه اوین پرواز مرگ را آغاز کرد، اما قبل از پرواز همه جانهای مرد دنداداد:

"رفقای بستی وجود ندارد، دیوارهای خودتان را بشکنید و آن قشون یک تنه را زاعاق وجودتان صدا بزنید."

در سالروز شهادت هوشنگ چراغ ایمان شرافرا را بخود گیریم و بنیردی را تصحید روانی آغازند و روزی بگرد بسا جان دلا و رنرا آن پاسداری کرد و سعت بحشیم، چرا که به روزی از آن ما است، چرا که حقیقت به روز است.

* * *

حرداد ۵۲ هجری پرویز حاکم جو عضو کمیته مرکزی حزب شود با ایران را برای چندمین و آخرین بار به شکنجهگاه بردند و با صیخترین و حیوانی ترین وضعی به شهادت رساندند. رفیق پرویز به هنگام شهادت ۴۸ سال بیشترنداشت و در اوج شکوفائی عمری سراسر به مبارز و سپرد بود. او پس از تحصیل در دبیرستانهای رازی و البرز به دبیرستان نظام و دانشکده مصلحانی وارد شد. سرشت پیکارجو، حماس و آرمانی اشرا و زاد رصغوف حزب نودهایران های داد. بدستور حزب پس از کودتای ۲۸ مرداد ابتدا مدفعی شد و سپس از کشتور خارج گردید. در مهاجرت به تکمیل آموزش سیاسی و یاد تئوریک خود پرداخت، او همیشه اهل طلب دار در ایران بود در سال ۱۳۴۳ بدستور حزب با ایران بازگشت و این رفت و برگشت یکبار دیگر تکرار شد. در شهریور ۴۳ دستگیر شد. ایندایه اعدام و سپرد در اثر داریا روسیعی که در میان جهانی برپا شد، به حبس ابد محکوم گردید. در بازجویی، شکنجهگاه و

با پایان سال تحصیلی .

سرگردانی و بلا تکلیفی

خیل عظیمی از

کودکان و نوجوانان آغاز می شود

در زمین مانده یک به ۱۰ میلیون نفر در مقاطع مختلف تحصیلی در سر می خوانند . در رمود بیرستان غیرنرم بر نامه های خشک تحصیلی ، دی بود تجهیزات و امکانات علمی و ورزشی و محیط پر حفاقت و حضور چشمها و گوشهای مراقب ، کند همه حال دانش آموزان راتحت کنترل دارد ، درصفا برای بکارگیری انرژی جوانی است که از جوانی سرچشمه می گیرد . تابستان تعطیل مدار بر برای بسیاری از کودکان و نوجوانان مترادف با کار و زحمت و ملال و دلنگسی است .

برامه دانش آموزان (اگر توان آن را برامه نامید) در تابستان بر حسب نوع زندگی و شرایط مالی و خانوادگی متفاوت است . فرزندان بسیاری از خانواده های زحمتکش که گرانی و تورمها رکیخته نامیسن حداقل معاش را برایشان مشکل کرده است ، در تابستان بکار روی می آورند و گوشه ای از بار سنگین گذران زندگی را بردوش کوچک خود می گیرند . اشتغال در تولید های کوچک ، شاگردی در تجاری ها و کفاشیها و ... و یادوشی در مغازه ها ، رویراه کردن بساط واکسی و غیره در معا بر دست فروشی از جمله راهایی است که تابستان هزاران دانش آموز میهن ما را بخود اختصاص می دهد .

صرف نظر از معددی فرزندان خانواده های متعلق به اقشار طبقات مرتفعه تابستان را در سفرو تفریح و تنوع می گذرانند ، میلیونها دانش آموز ، محسوسا در امکانات و تفریحات سالم و بی رنگ را از کار فعالیت در روزهای گرم طولانی تابستان ، فقط و فقط " وقتگشی " می کنند .

پسرها به کوجه و حیایان گردی می پردازند . بازی در زمین های پر خاک و خیل ها کوجه و حیایانهای پر رفت و آمد تنها وسیله سرگرمی است . کرامی هاست فرسازندگی در خانه های تنگ و کوچک آنها را پیسه آبتنی در آب کفجهجوی و نهر مرحله می کشانند . حد اکثر تفریحشان دیدن فیلمهای سینمایی مبتذل و مهیوع تبلیغاتی ، ساخت یک اصطلاح " هنر مند ان اسلامی " یا بچل های کشورهای امپالیسی است . در این میان وضع دختران دانش آموز بیوسره اسفانگیز است . بازی با هسالان در فضایی باز و صحبت و خنده ، برایشان ممنوع است . خروج از خانه حتی برای دختران خردسال مستلزم پوشیدن رپوش اسلامی و مقنعه و جوراب ضخیم ، همه اینها به رنگ تیره است . حضور عوامل ارگانهای تفریح و سرسروب همعجابیسن مردم کمعنوان " ملت حزب اللعواست همیشه در صحنه " یا انجام " وظیفه اسلامی " یعنی نوهین بعد دختران وایراد ضرب و شتمها آنها مشعولند ، دختران را وامی دارد که جز برای انجام امور ضروری و ناچار ، پا از خانه بیرون نگذارند .

حضور این عوامل ، تنها تفریح رایگان نولد تبخشی جوانان و نوجوانان ، یعنی راههایی در کوههایها رانیز بهشکنجه و عذایی مبدل کرده است ، انسان جوانان راتحت بار رسی بدنی و یازجوسی قسرار می دهند و گروههای راهیها را وادار می کنند تا علیه

سازمانهای انقلابی و برپه حکومت ارتجاعی و سران آن شعار میدهند .

از امکانات ورزشی و تفریحات سالم ، البمبجئون نمونه و برای نمایش چند ناتی در تهران و بعضی شهرستانها هست . تعداد استخرهای عمومی در تهران ۸ مایلونی از انگستان دست تجاوز نمی کند . بعضی از استخرها در بعضی ساعات بعضی از روزها به دختران اختصاص داده شده است .

تعداد کتابخانهها به نسبت جمعیت ناچیز است . فضای کتابخانهها به علت فقدان وسایل هنک نشده ، بصورت طاقت فرسائی گرهی می شود . مفتشین عاید مرتیادنا بجانها را کنترل می کنند و آثار هنرمندان اصیل و مردمی را بعنوان "کتاب خاله" از کتابخانهها خارج می کنند .

باین ترتیب جوانان معای تفریحات سالم و برنامههای آموزشی را به لغایزش می بخشند و محبوس در چاردیوای خانه در انتظار بارش مدارس روزگار می گذارند .

در روسناها ، اما واضح به گوشتی دیگر است . قزو شاید دشوارمادی باعث شده ناد روسا به هر دوک بعنوان یک بازوی کار بگردند . تابسان صل کار دشوار و وصولی در مزارع و اشتغال عامهت بکار کشاورزی و ولداری است . حتی کودکان ۶-۷ ساله از کار معاف نیستند . آن عده از دانش آموزان روسانی که شانرا دام تحصیل می یابند ، خسماز کارشاق ، پائیز پایه لاسهای بی درو بخرمی گذارند .

دانش آموزان میهن ما بعد رسی حکومت سد مردمی و ارتجاعی جمهوری اسلامی را بعنوان سبب همه محرومیتها و با سمانی ها محظوم می کنند . جنبش دانش آموزی در کشور ما مثل می گیرد و در اعتراض به

برنامههای آموزشی ، مقاومت در مقابل ، مدبران حزب اللهی "انتصابی آموزش و پرورش ، نظا هرات در میدان های ورزشی ، تحصن در مدارس که توسط رژیم به سرمایه داران پس داد می شود وجود داری از عزیمت به جبهه های بی بازگشت جنگ تجلی می کند . دانش آموزان هاندر کعد را انقلاب بهمین ۵۷ نشان داد ماند ، بخش مهمی از نیروی انقلابی جامعه را تشکیل می دهند . آنان با آگاهی برایسن نقش واثیه برانحاد و تشکل ، علیه حکومت چبسا ر جمهوری اسلامی و برای سرنگون کردن آن بهی می خیزند .

بچه های گیشای

بقیه از صفحه ۲۲

— گفتم آتش کس .

و حمید انگار هیچ نمی شنود . فرمانده در سه قدمی مکت می کند . و لحظه ای بعد صدای شلیک تیر پر می خیزد . حمید در نا باوری واقعه ، سینه سوراخ شده و فسوران خون گرم خود را حس می کند ، دستها بی اختیار به روی سینه می خزد . دردی به سرعت در تمام وجودش می دود . آخرین ضربان قلب . آخرین نفسها . سسستی پاهای . . . آخرین تصویرها در مغز "بچه های گیشا . شب جشن تولد بود ."

آخرین فکر گذرنده بر ذهن "بچه های گیشای بصره را نکشتم ."

آخرین فرمان مغز به اعضای بدن "گشوده شدن لبها . پیک لبخند ."

آخرین احساس "خوشحالی و به خاک می افتند ."

آرش آزاد

- ۱ - کولاس : مجموعه در ب لوله توپ
- ۲ - طناب ترقه کش : طنابی که به چاشنی متصل است و وقتی طناب کشیده شود ، چاشنی هل می کند و خرج داخل لوله توپ را آتش می زند و گلوله شلیک می شود .

ورزش در جمهوری اسلامی



آن بایستی برنامه‌های مشخصی را با اقتضای سنی و مد نظر ارتقاء، یعنی ورزش را بعد از سه دانشگاه، دارخانه، دارگاه و موسساتها برود. بودجه‌ای برای گسترش تاسیسات ورزشی از جمله اسانس و وسایلهای ورزشی در نظر گرفت و تربیت مربیان کارآراده را در دید، پیوسته بهداشت محیط و ورزش ورزشکاران و درمان معدومین توجه کافی کرد و ... آمادگی است تا در این راه مانده و ورزش در جمهوری اسلامی از این امر انجام وظیفه خطیری برخواهند آمد؟ نه!

برنامه ریزی و بودجه ورزش

عرصه ورزش را تا معجزه یافته تمام "ولایت فقیه" نیست و آن چقدر در این زمینه بیشتر از هم میماند است. فقدان برنامه ریزی صحیح مانند همه نشئون زندگی اجتماعی است. در مورد بودجه، ورزشی، ششسی را مثال بزینم که یکی از بهترین رشته‌های ورزشی میهنان است و تاکنون نیز قهرمانان نامداری در سطح جهانی در این رشته داشتیم. رژیم جمهوری اسلامی بسیاری پوشاندن سیاست ناسالم خود در عرصه ورزش تلاش

بقیه در صفحه ۱۵

پس از انقلاب بهمن ۵۷ جوانان میهنان فعلی از نیروی های عده سازندگان انقلاب بودند به محقق حواس تار دگرگونی هایی در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی کشور بودند. یکی از این عرصه ها، ورزش بود.

جوانان پرشور و اسطوره این دگرگونی ها نماندند. نبود امکانات آنان را از ورزش در سرد نکرد. هرچاکه سویی بود و جای مناسبی، ورزش هم بود. مسابقات ورزشی در مدخلات مختلف به مسابقات گوناگون، از سوی خود جوانان سازماندهی می شد. اشتیاق جوانان به ورزش در شرایط دشمنی نیز افزایش یافته است. زیرا با وجود عدم و دینهای اسلامی و "شرعی" سوزنازی کردن فوتبال و والیبال و ... چرم و کلاه محسوب می شود. اما رژیم جمهوری اسلامی در این عرصه برای جوانان چه کرد؟ راست؟ رئیس سابق تربیت بدنی اعتراف می کند که "ماد ورزش هنوز پیشرفت نامی و در بعضی موارد نیز زیر صفر هستیم." (دنیای ورزش ۱۷ آذر ۱۳۳۰) البته با عیب مسئول ورزش در تربیت بدنی، سیاست و برنامه ریزی سابق باقی می ماند. برای همگام شدن ورزش و مبارزه دیگر نمودهای شدن

پاسخ گورباچف به

پیام شهرداران شهرهای

هیروشیما و ناگازاکی

آقایان:

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، شوارتسز، که اخیراً از این دیدن کرد، فاست، پیامهای شما را دریافت کرده است. امید به سرعت کسب ترازنج عمیق و غناگیری بود که هر ساکنان شهرهای شما و همروان آن رقصات، بهمن ابلاغ کرد.

اشیاق در رختان شما در دیدن جهانی تاریخ از سلاحهای هستهای - تمدن روی زمین را با فاجعهای نهید می دهند - مرا عیناً تحت تاثیر قرار دادند. همین خواست در برنامه های بسیاری در تاریخ کرد نام با زبان می یابد - نامعالمی از اتحادیه، مریایان بمباران انمی ناآزادی، اتحادیه، حیوا و بدان و سردیکان قریایان بمباران انمی، انبمن جمع آوری انضا بسود قریایان بمباران انمی و دیگران.

هیروشیما و ناآزادی، دو آوازهای همدردی زمان ما چون زنگ خطری در قلب انسانهای شریف کسره زمین طنین افکند فاند و چون مرا خوانی برای پیشگیری از حریق هستهای و برای صلح، بصداد آمد فاند. در اتحاد شوروی، مانند هر کشور دیگر، هر راه های شما را خوب درک می کند، چرا که هر حیوا و ده، شوروی طعم تلخ جنگ اخیر را چشیده است. جنگ به قیمت جان ۰۰۰ میلیون تن از شهروندان ما ختم شد.

اخیراً، کشور ما آمادگی خود را برای اخذ تدابیر عملی و سازنده موحد اکثر تلاش به منظور هماهنگی در پیشرفت از هر اسامی و برای بهبود موقعیت جهانی

دیگری را اعلام داشت است ما برای نابودی کامل سلاح اتمی، برنامه های مشخص پیشنهاد کرد ما بود رایسن بار میک در ره زمانی نامعین در نظر گرفته ایم محتوای این برنامه در این بحوبی شناخته شد است. ما از شما به خاطر آن که با شما رهای تازه شوروی از برای این دیدن کرد، فاست، ما برای عقیدت ما به صلح و صلحی حکومتها، احزاب سیاسی و خلقها می تواند و باید شرایطی را برای مردمان این شماره بوجود آورد که بتواند بد و سلاح های هستهای، شیمیایی و هرگونه سلاحهای کشتار جمعی به قدری بیست و یکم گام نهند. در نظر ما این روشها امروز همیشه از هر زمان دیگر اهمیت بسیار دارد و در عین حال، واقع گرایانه و متحقق پذیر نیز هست. آنچه اهمیت دارد این است که برای نیل به این هدف، فعلاً عمل کنیم: عمل بی درنگ، عمل جمعی:

همه می دانند که صلحی که کاملاً مشخص اتحاد شوروی به عقد عالی نابودی فراگیر سلاح هستهای برای همیشه با خندید "مورانوویچ" مربوط به همه با رهای هستهای بلکه در چهلین سال کرد بیچاران هیروشیما فرمان صادر شد - تاکید کردید - با این اقدام، که واکنش مثبت شما را برانگیخت و ما آن را شایسته می دانیم. اتحاد - شوروی یک بار دیگر با ایالات متحد میسند با می شده به "مورانوویچ" پیوند - مزیای چین رهای برای همان آشنا راست.

بشریت در حالی که صلحی جهان بد و سلاح هستهای بهتر می رود، باید همه آن مواضع را بسدر این راه موجود دارد از سررا میرد. کوششهای محصوف به نظامی کردن فضای کیهانی و اسباب شدن انفجارها و زمین به سلاحهای ضربه ای و تهدید ساختن آن به فضای تسلیحات، اینها مواضع اصلی به شما می رسد این راه را هر کسی بداند که متحقق بخشید به مفهوم "جنگ

کها از سلا حها و جنگ ما باشد *

* نردم از ندر زمین الطلی " صلح و سوسپالیسم " پرات
(من مراسوی) - شماره ۸ - ۱۹۸۶

پیانیکا ...

سعید سلطانپور بقیه از صفحه ۴۴

سال از شهادت سعید سلطان پور معلوم ،
هنرمند ، گذردان و شاه انقلابی کشور ما می گذرد .
سلطان پور ز زندگی کوتاه اما سرشار از خلقت
خود بارها توسط گرازهای شاه و اغلب در حیسن
اجرای نایشنامه ها شده با اقبال عامه روپوشی شد
باز داشت و روانه زندان گردید . آخرین باز داشت
وزید انشرد در زندان است که سه سال طول کشید
شکستهای بسیاری برای او همراه داشت . آثار
اوبه نشویه شعر در رسانای مضافه خلفهای زحمتش
میمن ماورد باغ از هنر مرقمی و مرد می نه سهاکین
حیوانی ما موران ستحشا هی را برمی انگخت بلکه
پاسداران جهل و خرافه در زندان اسلامی را نیز در
دشمنی با هنر و فرهنگ مرقمی چهره بغایت عبوس
ارتجاعی و عقب ماند مدها رند به نوحه خونیسن و
ناجاوان مرد انبر علیه او اودا ارساخت . او را که از مدتها
قبل در نمایش بودند در شب عروسیش رودند و یک
راست به عروسی خون بردند *

سلطان پور ز زندگی کوتاه نایشنامه بسیاری
بر روی صحنه آورد و آثار هنری چندی از خود بیادگار
گذاشت *

صدای میرا - نایشنامه حسنک وزیر - نوعی از هنر
نوعی از اندیشه - آوازهای بند و از کشارگاه از جمله
آثار او است یادش گرامی باد *

سازگان " همه امید هایی را که برای کاهتر سلاحهای
مستعای د روی زمین وجود دارد یکسر منقضی بر آب
خواهد کرد . یک بارد یکبار باید تکرار کرد : جلوگیری از
میلیتاریز کردن فضا شرط بی چون و چرای منصف
ساختن سابقه تسلیحات است .

برنامه اتحاد شوروی را د ایریر آن کاهتر هم انون پایان
فرن را بدون سلاحهای هسته ای و غیر آن بسازیم همه
همه بلا گردد مایم ، چرا که هیچکس نمی تواند در رویا بر این
شهادت مرا گیری تفاوت بعد . ما فرحوان خود را به
راهن نیز خطاب می کنیم .

" ساحل غیر مستعای " در رصم چون داری از داشتن
سلاح مستعای ، ساختن آن و پذیرش آن کاهتر جانب
ژاپن اعلام شد . د اتحاد شوروی مورد استقبال فرار
گرفت . این اصول می توانند از اعضا رگسب شده
بین المللی بر حورد ار شوند و اگر دنیا به لحاظ تقسیم
و غیر مشروط را پی هابا ورند ، سر مرق بسیاری از کشور
های دیشتر را خواهد گرفت .

معمی داننده ۶۰۰ شهرو شهرك و روسای زاپی
کمیترا زیمی از جمعیت این کشور را در بردارد ، خود
را ساحل عاری از سلاح مستعای اعلام برد مده . این
جنبش مزایند نمود ارا را د نمود های و سیخ خلق ژاپن
است که می خواهند سر زمینشان حقیقتا خالی از سلاحهای
مستعای باشد و برای زمین بردن دامل سلاحهای
مستعای د سطح زمین نیز سهجم خود را داد اند *

د رستون بیاد بود هیروشیما نوشته شد : " آرام
بخواهید " حصاندر را خواهد شد " این سوگندی بیاد
فرامیسان است . سوگندی است د ریرا بر نسل های حاضر
و آیند مده همه ملافند ان صلح و زندگی د روی زمین را
مده می کند تصویر جمعی واحد انسان بکشند تا
راهی مطمئن برای آینده انسانها باز کنند . آیند های

لنین و جوانان (۲)



لنین در سومین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست

این سخنان برای میلیونها مرد و زن جوان به
برنامه‌های اخلاقی تبدیل شد مویبرای نسلهای آینده
معد معای پرهرایجری مارکسیسم-لنینیسم به شمار می رود
لنین در این اثر خود اصول شکل گیری یک کمونیست
را با برجستگی نشان می دهد و پرورش آسان نسوا
بمتابه یلی ارقصعی ترین عوامل ساختن جهان نو
گوشه می کند .

لنین کدر سومین کنگره اتحادیه های جوانان
روس سخن می گفت و نمایندگان جوانان را معارانی
می خواند که زندگی خود را برای ساختن جهانی نو
و همیشه باید ارا و فدا گردانند . برای توسازی جهان
پیش از هر چیزی می بایست که فقر و پرانی و گرسنگی
عقب مانده کی و بیسواد ی و در یک کلمه میراث سئوم
گذشتگان را رخت بریزند . بدین سبب لنین
بجا و بوقع گفت: " یک جامعه کمونیستی نمی تواند

سخنان لنین در دهم اکتبر ۱۹۱۷ در سومین
کنگره اتحادیه جوانان کمونیست روسیه در باره
" وظایف اتحادیه های جوانان " راهمینی و سزه
بررهورد راست . این گفتار سندی برجستگه در
مارکسیسم خلاق در خصوص خلعت و وظایف اصلی
اصول و شیوه های کار اتحادیه های جوانان کمونیست
است . این سخنان در زمینه " نقش وظایف سئود
جوانان در ساختن جهانی نو ، نخستین کارشوری
در تاریخ اندیشه " مارکسیستی به شمار می رود . لنین
در این باره جوانان می آموخت که " بصورتی اکثر
می - و اهند بسوی کمونیسم پیش رازند ، باید کمونیسم
را اجرا گیرند " . بمنظری رسد این بیان گویا موافزند
در زمان مانیزه مگان را به آموختن مرامی خوانند .

در يك كشور بسواد ساخته شود * بدین جهت است
دفاعمرا گرفتن و دانشرا آموختن در روید پرورش انسان
صرازو اهمیتی اساسی دارد * این آن راهیست
است که ملین پیش پای جوانان می نهد *

سخنان ملین در رسوین لنگره* اتحادیه های
جوانان کمونیست از نظریین الملل کمونیستی و جنبش
مترقی جوانان يك سند انقلابی دارای اهمیت
انقلابی است * این سخنان امروز هم اهمیت خود را
حفظ کرد مورزندگان جوان در سراسر جهان از آنها
در سی می گیرند *

نظر می برد از آن بوزوایی می گویند تا نظری ملین را
در ریاره* جوانان تحریف و تحطشه کنند * "شوروی
شناسان" غریب و نوجندگان مسایل جوانان تلاش
می ورزند تا به گفتار ملین در رسوین لنگره* اتحادیه های
جوانان کمونیست که میباید مهم تئوریک و پریانهای
مارکسیسم لنینیسم در ریاره* مسایل مربوط به جوانان
است، که به یاد دهند * با این همه، این خود زندگی
است که آنها را ت بی پایه* آنان را رد می کند *

در رسال ۱۹۱۰ انسانین تسیولکوسکی، پددر
کیهان شناسی مدرن، گفت که من از جوانان سخنان
ملین در ریاره* و شاید اتحادیه های جوانان "به
تحقق یافتن اندیشه های خود بیشتر از پیشراط میمان
پیدا کردم * امروز ما این اندیشه ها تحقق یا معاند و امر
کیهان نوردی، بوسیله* نیمهای بین المللی یا موفقیت
پیشرفت می کند * زمانی از یک فضا نورد دوبائی پرسید *
شد که فرمان مورد علاقه* او چه کسی است؟ وی پددر یک
پاسخ داد: "ملین" و افزود "من آثار او را با احساسی
عمیق خواندم *"

نظری ملین به سبب روح انقلابی خود روی بی نمود *
جوانان دارد و طریقت آنان را برای دارا می بندد * و
آینده* در سخنان مورد توجه قرار می دهد * حزب

ملین همیشه حزبی بود فاست برای آیند مویسرای
پیشرفت خلاق تود ها * آنا تولی لوبا چارکسی،
یکی از پیروان و همعزمین ملین در ریاره* او گفته است:
"ملین خود در ۵۳ سالگی جوان ماند موزانند میانند
جوان می ماند * لنینیسم نیز جوان است، باین دلیل
که جوانی جهان، آیند های بسیار بزرگ را که در انتظار
ماست و دلایری انگارنا پذیرجوانی را در بر دارد *"
ملین به جوانان می آموخت: "سها یا کار کردن در
کنار کارگران و دهقانان است که انسان بکمونیست
واقعی مبدل می شود * طی سالهای حکومت
شوراها کار در اتحاد شوروی بعضی از ارزشهای والای
اخلاقی و بیصر چشمه* جوانان نشاط و مرویو عیسیلای
موزد پرورش سوده* خلق مبدل شد فاست * بسا
گذشت زمان چشم اندازومعیاریکا روشراط آن همچنان
تغییری می یابد، اما مانند سابق روح فداکاری در پدیدار
بهادر هرد فدمشترک نیروی اراده، سها متوختگی
در روید کار روزانه در جوانان شوروی وجود دارد *

جوانان شوروی وصلح

خلق شوروی برای اجرای موفقیت آمیز برنامه های
خود به صلحی پایدار نیاز دارد * حزب کمونیست و
دولت اتحاد شوروی که راه لنینی را بدون انحراف
در نیال می کنند به پیداری اسنوار علیعهدید فاجعه*
هستهای دست پایزند مائد * این راه آشکارا نقطه*
مقابل استراتژی نظامی گرایانه* نیروهای امپریالیستی
است *

امپریالیستها برای آن که طررحهای نظامی گرایانه
و برتری جوانه* خود را اجرا کنند، خلقها را از شهیدید
نظامی شوروی* می ترسانند * تنها کسانی که تاریخ
نمی دانند و به حقایق امورشنا نیستند مغلن است
بقیه در صفحه ۴۷

نگاهی به قانونمندی های انقلاب رهایبخش ملی

نواستعمار در عرصه های سیاسی و نظامی

نیستند و به درجات مختلف به منافع ملی پایبندند، سیاست های نادرانه و پیچیده ای را بنا می گیرند. هنگامی که - دشواری جنبش رهایی بخش ملی اوج می گیرد و ارتجاع دست نشانده نوان سرکوب آن را از دست می دهد، امپریالیست ها تمامی اهرم های نفوذ خویش را بنا می گیرند تا در حکومت آینده و عال و متحدان طبقاتی آنها، با حداقل محافظه کارترین بخش نیروهای شرکت کننده در جنبش که کمترین منافع امپریالیسم را شهید می کنند اهرم های اصلی قدرت را در اختیار داشته باشند. تجربه انقلاب های رهایی بخش ملی و از جمله انقلاب پهلوسن در مین نشان داد است که نواستعمارگران پس از بنا گرفتن این تائیک که بازی با جاکتبه ها (آلترناتیوها) نامید می شود، می توانند با نفوذ در رهبری جنبش، حفظ منافع استراتژیک خویش و در نهایت سرکوب نیروهای انقلابی پیگیر شدت کنند. در انقلاب، ضربات سنگینی به جنبش وارد آورند. اقدامات امپریالیسم برای حفظ و تحکیم منافع نواستعماری در کشورهای رشد یابنده ای - دولتهای ملی و خلعی در آنها حاصلند، در د و تائیک اصلی مسخ و براندازی نظم می گیرد. در تائیک مسدود اقدامات امپریالیسم به توافق رسیدن با محافظه کارترین بخش حاکمیت های ملی بپسرای نصین و تحکیم منافع امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. در تائیک براندازی هدف این اقدامات سرکوبی دولت ملی است. نواستعمارگران همواره این دو تائیک را به موازات یکدیگر بنا می گیرند، و بنا

امپریالیسم در دوره نواستعمار نیز همان احساس سرورت از تجاوز نظامی به کشورهای رشد یابنده و اشغال نظامی این کشورها مریژداری می کند. با وجود این، شرایط اصلی سیاست نواستعماری تلاش در راه سعه و کنترل سیاسی و نظامی غیر مستقیم بر کشورهای رشد یابنده است. و به این منظور امپریالیست ها از اهرم ها و تداپیروزی های استعماری می سودند.

حاصلت عینی حالتی در کشورهای رشد یابنده ادامه و توان اعمال نفوذ امپریالیسم بر حیوانات سیاسی و اجتماعی این کشورها را تعیین می کنند. نیروهای ارتجاعی در این کشورها - متوال ها و زمینداران بزرگ، سراسر نمایر، بورژوازی و آبسه، رحبران بورژوازی بورودر ایکه - نظامی و محافظت را سترای شرط بورژوازی داوعلیابه به جستجوی حمایت امپریالیسم بر می گیرند. امپریالیست ها به مدت اهرم سازمان های جاسوسی که در دهه های اخیر بر دامنه وظایف و عملردشان در کشورهای رشد یابنده هرچه بیشتر افزوده شده است. در میان این نیروها "مهرچینی" می کنند، آن ها را سازمان می دهند و از نظر سیاسی رهبری می کنند، و بایه قدرت رساندن آنها بوسیله کودتا های نظامی و سوشلیستی ارتجاعی، رژیم های دست نشانده و عروسکی را بر این کشورها تحمیل می کنند. نواستعمارگران در مقابل جنبش های حلقی و ملی و حکومت هایی که دست نشانده امپریالیسم

گری‌های نواسعماری امپریالیسم است.
استراتژی نظامی همچنان از اجزای مهم و تعیین
کننده سیاست‌های نواسعماری است. دگرگونی
در سمت‌گیری‌های استراتژیک قدرت‌های امپریا-
لیستی، همگامه تغییرات جدی در شرایط بین‌المللی
در مناطق گوناگون نفوذ امپریالیسم بیاری آورد که
تا تیرگام پراهمی بر سر نوشت جنبش‌های رهایی-
بخش می‌گذارد.

پس از جنگ جهانی دوم، بهره‌ناتیمده ۱۹۵۰
هنگامی که هواپیما تنها وسیله حمل‌ونقل بود،
و چون جنگ سرد بر جهان حاکم بود، امپریالیسم
جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به کشورهای
رشد‌یابنده‌ای که در مناطق استراتژیک واقعند مانند
به چشم‌پایگاه‌های تهاجمی علیه کشورهای
سوسیالیستی و ناوهای هواپیما بر فرودگاه‌های
جوش‌نگاه می‌کرد. حضور نظامی مستقیم رایس
کشورها محوراً بر استراتژیک سیاست نواسعماری در این
دوره بود. جنگ‌های (۱۹۴۸ و ۱۹۵۱)
میان قدرت‌های امپریالیستی و اسرائیل از یک سو
کشورهای عربی از سوی دیگر، و جنگ ویتنام
استراتژی نجات‌گزارانه امپریالیسم در دوره بود.
بعد ها هنگامی که موشک‌های میان برد و دور
برد به معیار وسیع بنا گرفته شدند، این جنبه از
منافع استراتژیک امپریالیسم اهمیت بیشتری پیدا کرد
(نگاه کنید به دربار نواسعماری - نواری سیمونسا
- ص ۲-۸۲). تغییر تناسب در عرض بین‌المللی
بود سوسیالیسم، تنها جملح طلبانه اردوگامه
سوسیالیسم به رهبری اتحاد شوروی در راه شنید-
زدایی و فشار نیروهای صلح دوست در سطح جهانی
امپریالیسم را از پیرصیارات جنبش‌های رهایی‌بخش
بقیه در صفحه ۴۸

به مصلحت‌های راجانشین دیگری می‌کنند. بخش
بزرگی از جنبش‌ها و اندامی که نواسعمارگان در
مقابله با حکومت‌های ملی بنا می‌گیرند - از جمله
تبات‌زدایی از راه تعرفه‌های در جنبش‌های رهایی-
بخش و فروختن آتش‌جنگ‌های داخلی بر سر مشکلات
و مسائل ملی، مذهبی و سیاسی، محاصره
اقتصادی و ایجاد بحران اقتصادی، فشار بر تولید
و تجاوز نظامی، جنگ‌های امروزی میان کشورهای رشد-
یابنده، فشار سیاسی و تبلیغاتی برای تحمیل
تخففات و راه‌حل‌های معین - در هر دو نظام تدابیر
بنا گرفته می‌شود.

طی سالهای پس از جنگ جهانی دوم نواسعمار
- گران بارها و بارها بنگ این سلسله تدابیر
تصرف حکومت‌های ملی را در کشورهای رشد‌یابنده
سرنوشت کرد مانند: دولت هند در ایران (۱۹۵۲)
دولت آیزن‌هاوگر و کوانتالا (۱۹۵۵)، دولت سوئد
در اندونزی (۱۹۶۵)، دولت ترومه در غنا (۱۹۶۶)
و دولت سالوادور آلنده در شیلی (۱۹۷۲) مشهور-
ترین آماج‌های این توجیه‌ها بودند. تا کیست
سخن‌نیزد کشورهای بسیاری از جمله مصر، سومالی
و عراق به قلب حمله‌های حادیت بود امپریالیسم
ارتجاع داخلی انجامید.

اسنادی که صی اشغال سفارتخانه‌های ایالات
متحده آمریکا در تهران (۱۹۷۹) بدست آمد و
بخشی از آنها منتشر شد، - آینه‌واقعی و پیچیدگی
اهدافمانی را که سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی
برای تثبیت حادیت دست‌نشانده پهلوی و برای
نفوذ در جنبش انقلابی مردم ایران و به نواقح رسیدن
بایدهای محافظه‌کار رنجی این جنبش انجام
می‌داد مانند واحد زدایی‌نشان می‌دهد. بررسی
این اسناد، منبع‌پارزشی برای شناخت توجیه

می شنویم که

تو دیگر نمی خواهی

با ما همکاری کنی

(از بوقولت پرست)

(۱)

می شنویم: تو دیگر نمی خواهی با ما همکاری کنی

— تو از هم از همها شیدهای • تو دیگر فاد ریحنب وجوش
نیستی

تو خستای • تو دیگر فاد ریا بوختن نیستی

تو کرات تمام است •

از تو دیگر انتظاری نمی توان داشت •

پس باید آن:

ما انتظارد ابریم

هنگامی که خسته به خواب می روی

میچکسود یگر تو را بیدار شو و هد کرد و نخواهد گفت:

— بلند شو و غذایت آماده است •

چرا می بایستی غذایت آماده باشد •

هنگامی که نمود یگر فاد ریحنب وجوش نیستی؟

اگر می خواهی بخواب •

هیچکس جستجویت نخواهد کرد ما بگهت:

— انقلابی شده •

کارخانه ها را انتظار هستند •

چرا می بایستی انقلابی شده باشد •

هنگامی که سردهای، بقیه سپرد مدواهی شد؟

چه گنا حرکت بانویا عند پاته •

نمی کنی:

— تو پیش از حد میا ریز کردهای • بود یگر فاد ریه میا ریزه

نیستی

پس کونتر کن:

چونک ما نویا شد پاته:

از ترس میا ریز کنی، سقوط خواهی کرد •

(۲)

تو می کنی: پیش از آنچمی توانستی امید داشتی

به چه امید و اربودهای؟

بآن که غیرد آسان باشد؟

آن کومعیت

مومعیت فاد شوا تر از آن است که مومعیت فاد

آن این کومعیت:

اگر ما اعجاز کنیم

از بین می ریم •

اگر ما آنچه را که هیچکس انتظارش را از ما ندارد اشیا

ندیم

سقوط خواهیم کرد •

دشمنانمان را انتظارند

ناما خسته شویم •

هنگامی که میا ریزد رد ناک ترین است

میا ریزان هم خسته ترین اند •

میا ریزی که زیاد منستندند، سپرد رومی بازند •

تسرجمساز "شادی"

بچه‌های گیشای بصره

— "شش گلوله وسط شهر بصره می‌اندازیم تا بفهمند که دیگه نباید شهرهای ما رو بزنند این کار باید سریع و با دقت انجام بشه." حمید زدن شهرها را به چشم دیده بود.

کشتار دسته جمعی بچه‌ها را در محله کیشا، قطعه قطعه شدن کودک و مادر را در آغوش هم، و تبدیل ساختمانها را تلی از خاک و خاکستر به یاد داشت.

صدای فرمانده ذهن حمید را متوجه خود می‌کند.

— "سریعتر، باید تا چند دقیقه دیگر همه چیز آماده بشه، اِراس ساعت باید اولین شلیک را بکنیم."

کار حمید بر روی توپ تمام بود. گلوله به داخل لوله هل داده و خرج گذاری شده بود. طناب ترقه کش را وصل کرد و پائین برید. طناب در دست آماده فرمان آتش‌مانده چند لحظه بیشتر نمانده بود و بعد از آن ... تمام. خوابی را که دیشب دیده بود به یاد آورد. انگار عین بیداری بود. نزدیک سحر پس از غلت بسیار در رختخواب، در میانه خواب و بیداری دیده بود که کودکان را به تیر اندام بسته‌اند و او مامور تیرباران است. عرق کرده و هراسان از خواب بریده بود.

صدای فرمانده بالاخره بلند می‌شود: — "آتش"

لحظه‌ای گذرا، بی هیچ اتفاقی فرمانده نعره می‌کشد:

— "گفتم آتش لعنتی."

لحظه‌ای دیگر، انگار همه قدرت حمید به پنجه‌ها رفته است. پنجه‌ها طناب را می‌فشرند و بازوها نمی‌کشد. و فرمانده که این بار از خشم پرا فروخته شده است به طرف حمید هجوم می‌برد. هفت تیسرش را بیرون می‌کشد و تهدید کتان فرمانش را در میان دندانش با غیظ نعره می‌زند.

بقیه در صفحه ۱۴

مدتهاست که آفتاب برآمده است. گرما بیداد می‌کند. مگسها با زوز و چسبیدن به صورت و تن عذاب می‌دهند. سکوت فرودگاه و جنگل اطراف آبادان با غرش موتر توپ دوربرد و کامیون حامل مهمات شکسته می‌شود. فقط هشت نفرند، هفت سرباز و یک افسر. سربازان خرج و گلوله را از کامیون پائین می‌آورند و آنها را درکنسار توپ می‌چینند. توپ در جای تعیین بابلچه‌های مخصوص مستقر می‌شود. تسمه‌های لوله باز می‌شود. افسر فرمانده از پشت زاویه سیاب برای روانه کردن توپ فرمانهای مکرر صادر می‌کند. همه کارها جز به جز برای نخستین شلیک آماده می‌شود. عرق مثل باران از سر و روی سربازان فرو می‌ریزد. از گرما، از نفس افتاده و بیحالند ولی جایک و فرز کار می‌کنند. حمید، سرباز بلند بالا و قوی هیگسل با دندانه‌های زرد، دهانه لوله توپ و کولاس^{۱۱} را پاک می‌کند. دستها ورزیده و کار کرده، و نگاه در تحقیق آنهاست. ولی فکر در جای دیگر است. ۲۲ ماه در جبهه، شرکت در حمله‌های متعدد، همه رابه چشم خود دیده بود. بیرون راندن دشمن از میهن، پرغور می‌نمود. آن زمان هم کولاس دار سوپ بوده. هربار که طناب ترقه کش^{۱۲} را می‌کشید و گلوله شلیک می‌شد به نظرش قلب دشمن را نشانه رفته بود. حالا چه رازی است که دیگر این اندیشه‌ها جاری نمی‌شود. که احساسات لعنتی در اعناق وجودش دیده است. این هم مثل همه مامورتهائی است که تا به حال انجام داده. ولی نه. این را قبول نداشت. افسر فرمانده را به یاد آورد که دیشب همه سربازان را جمع کرده و آخرین دستورات را داده بود:

“بهارادی داسان”

شاعر بزرگ اومانیست تامیل

بناسیت سده بهارادی داسان

تامیل یکی از قدیمی ترین و غنی ترین زبانهای هند به شمار می آید و ادبیات و شعر این زبان علاوه بر قدمت از غنای محتوی برخوردار است. ادبیات نهن تامیل جایگاهی ویژه دارد و بر تارک آن دو نام می درخشند: یکی سورامانیا بهاراتی یار (SUBRAMAN BHARATHIAR) دیگری پاندار بهارادی داسان (BHARATHI DASAN). بهارادی بنیانگذار جنبش نهن ادبیات تامیل و شاعر ملی هند است. شعرهای مبهی وی در زبان هر تامیل زبان است، وی در مبارزه استقلال طلبانه مردم هند شرکت داشت و از طرف پلیس انگلیس تحت تعقیب قرار گرفت و بزندگی در تبعید در پاندیچری مجبور گردید و در پاندیچری که تحت تسلط فرانسویان بود، بی دغدغه از انگلیسها به وظایف انقلابی خود ادامه داد.

پس از بهارادی، نام بهارادی داسان (پسر و بهارادی) آشنا ترین نام در میان تاملیلان است. وی در پاندیچری آموزگار بود. هنگام فعالیت ادبی وی، پاندیچری تحت تسلط فرانسویان بود و جنبش استقلال طلبانه هند علیه اشغالگران خارجی او را به مبارزه کشانید. طیفی پاره ای نظریات متفاوت درباره بهارادی داسان، احساسات بشر دوستانه و برابری طلبی وی مورد قبول همگان است. وی در شعرهایش برابری، دنیایی بدون جنگ و نفرت و عشق به تامیل و آزادی آن را مطرح می کرد و به تبلیغ سوسیالیسم پرداخت. وی مورد

بگایلیش!

بیا این جهان گشت از ارگون ما بدم
چرخشش نه پیش که اموج هر خاشاک
جان، تبه و ذوقهای نابرابر را
جان که هر جل و غرانت است
و بنیادگر از بنیاد ما بدم
و بنیادنی ساخته نه پیش که بدم
میست این جا بود از پاک بدم
بهت برآور نمبر بدم
چه دیگر هر روز است بقی؟



بهر جلالن پیشش
بهر کرامت و بهر پیشش

بهر کرامت و بهر پیشش
آرش

علاقه میلیونها تامیل زبان است. از طرف دولت پاندیچری دارای و یادگارهای بهارادی داسان بعنوان دارایی ملی ثبت گردیده است. دانشگاهی بنام وی نامگذاری گردیده و مجسماتش در میدانها و اماکن صوبی نصب گردیده. پدینسان خلشق راهش را گرامی می دارد و یادش را جاودان.

بهارادی داسان در دوران حماسات خود نشریه ای منتشر می کرد که کوهل (فاخته)، نام داشت و اکنون بصورت ماهانه توسط فرزند شاهرش مانار مانان انتشار می یابد. مدر آخرین شماره این نشریه سر مقاله جالبی در مورد اوضاع ایران و مستم برزن ایرانی نگاشته شده است.

شعرهای بهارادی داسان به زبانهای مختلف

پتیه در صفحه ۷

برای نجات فرهنگ ملی،

علیه قاریک اندیشان حاکم مبارزه کنیم!

چگونه نگوین جوان

هوشی مین "کمونیست شد"؟

نگون تا تان در ۱۲ ماهه ۱۸۹۰ ادر دهنکه کیم لاین منطقه آنام، در خانه دهقانی میانه حال و در میان کرت‌های ذرت و نیختر و شالیزارها چشم به جهان گشود.

در دوران کودکی دستیار و رابط پدرش و دوستان آزاد یخواه وی بود. در نوجوانی به طت فخر مالی و کم حاصلی کشت و کار فامیلی به عنوان حاشو در کشتی های مسافربری فرانسی که بین بندر های فونگ و تنام و ماری فرانسه رفت و آمد داشتند، استخدام شد. طی این سفرها و تماس بیشتر با مردم فرانسه دریافت که همه فرانسی‌ها استعمارگر نیستند. با کارگران فرانسی انس و الفت ویژه ای پیدا کرد.

نگون سپس چند سالی در انگلستان به کار مشغول شد و از راه برف رسی و نظافت رستوران و ۱۰۰۰ امرار معاش کرد. در این سالها با کتا بهای انقلابی آشنا شد. در سال ۱۹۱۷ با اینکسه ممکن بود در فرانسه به سرپای احضار شود، به پاریس رفت. در پاریس در میان صدها هزار کارگر مهاجر آنامی (ویتنامی) خود را مانند ماهی در دریا احساس کرد. نام خود را به نگون آی کوک یعنی نگون میهن پرست تغییر داد. همین نام سالها در پای تراکتها و در اسناد کمیتز آمد. در میان مردم ویتنام جا باز کرد و در پروندهای استعمارگران فرانسی ثبت گردید.

نگون همراه دوستش فام وان تر ونگ به کار عکاسی مشغول شد. یک آگهی تبلیغاتی در مجله "زندگی کارگری" آرکان "توت" یادگار این دوره از زندگی اوست که جنبه تاریخی پیدا کرده است. شما که یادگار زنده ای از والدین خود می‌خواهید، عکسهای خودتان را برای فروش به نگون آی کوک بپسارید. یک پرتزه زیبا، یک قصاب قشنگ به بهای ۴۵ فرانک.

به مرور پای نگون به محافل سیاسی انقلابی پاریس باز شد و با مارسل کاشن و هل دایان کوتیبه



هوشی مین جوان در کنگره تور حزب کمونیست فرانسه (۱۹۲۰) که در آن حزب کمونیست فرانسه بنیاد گذاشته شد. صحبت می‌کند. با دایان کوتیبه در سمت راست کس با علاقه به سخنان او گوش می‌کند.

رهبران نامدار جنبش کمونیستی فرانسه تیباس بر قرار کرد. هل دایان کوتیبه مدتی پس از آن، ستونی از روزنامه "اوانتیه" را در اختیار نگون آی کوک قسار داد.

نگون آی کوک که فامیا به اقدام محکوم شد، اسم خود را به هوشی مین (یعنی روشنگر) تغییر داد. هوشی مین، در ویتنام پیروز، شرح دوران

جوانی خود در پاریس را چنین بیان کرده است: "بلافاصله پس از جنگ جهانی اول، در پاریس

به کار مشغول شدم. کارم ابتدا عکاسی و سپس نقاشی روی اشیا شبهه متیقه چینی که توسط یک کارخانه فرانسی تولید می‌شد، بود. در همان زمان کارگاه‌های برای افشای استعمار تراکت بخش می‌گسردم.

از انقلاب اکثیر پشتیبانی می‌کردم، ولی فقط بر مبنای یک هواداری خود جوش زیرا هنوز با اهمیت تاریخی آن بی نبرده بودم. لنین را دوست داشتم و به او احترام می‌گذاشتم فقط به این طت که میهن خود را نجات داده بود ولی هنوز

هشت سال مقاومت

برادرزاد معای من آشنا اکنون به سن عقل رسیده‌اید.
عوی شما بسیار شادمان است
در این پاییز نامه‌ای دستاورد برایتان می‌فرستم
و شما را بسیار می‌بوسم، برادرزاده‌های عزیز.
از ایالات دور و نزدیک
از دهکده‌های نزدیک تا روستاهای دور
غذا خورده‌اند، لباس گرم پوشیده‌اند
هم میهنان ما پیشرو می‌کنند، به جلو می‌روند
...

درفش سرخ پسرهای

بر فراز ساوگانها برافراشته است.

و من، عوی شما، بسیار سرفراز به شما می‌گویم.
پاییز آینده ما از این هم خجسته تر خواهد بود!

هوشی مهین ۱۹۵۲

شدیدا در برابر مخالفان لنین و انترناسیونال
سوم می‌ایستادم.

دلایل من برای مخالفان در این حمله خلاصه
می‌شد "رفقا اگر استعمار را محکوم نمی‌کنیم و از
حلقه‌های ستم دیده پشتیبانی نمی‌کنید پس از چه
نوع "انقلابی" حمایت می‌کنید؟"

باید اضافه کنم که رفقا مارسل کاشن، پل وایان
کوتیوره و ... کمک زیادی به من کردند و چیزهای
زیادی را به من آموختند. بالاخره در کنگره سوم
همراه رفقا برای پیوستن به انترناسیونال سوم
رای دادم.

در آغاز، مهین دوستی و نه کمونیسم به مفهوم
فلسفی آن بود که مرا به سوی لنین و انترناسیونال
سوم جلب کرد. کمک در طی این دوره، با تلفیق کار
تئوریک مارکسیسم لنینیسم و کار پراتیک، به این
نتیجه رسیدیم که تنها کمونیسم می‌تواند استعمار
شدگان و زحمتکشان جهان را به سوی آزادی
هدایت کند.

در اوضاع‌های ویتنام و چین صحبت از یک

بقیه در صفحه ۲۹

هیچک از نوشته‌های او را نخوانده بودم.

در آن هنگام عضو حزب سوسیالیست بودم فقط
به دلیل آن که آنها (رفقای حزب) از مبارزات
حلقه‌های ستم‌دیده حمایت می‌کردند ولی هنوز
نمی‌دانستم حزب چیست، سندی که کدام است و
سوسیالیسم و کمونیسم چه مفهومی دارند.

در آن زمان موضوع بحث حوزه‌های حزب سو-
سیالیست این بود که آیا باید در انترناسیونال دوم
یا انترناسیونال جدیدی بپیوسته‌ام و یا به انترنا-
سیونال سوم لنین پیوسته‌ام. من با اینکه در تمام
جلسات شرکت می‌کردم ولی ابتدا محتوای کامل تمام
مباحثات را درک نمی‌کردم و نمی‌دانستم چرا باید با
این شدت و حدت بحث کرد؟ یا انترناسیونال دوم
یا دو و نیم و یا سه می‌توانستیم انقلاب کنیم؟ پس
چرا این بحث‌ها؟

شواشی که همیشه جوبشرا جستجو می‌کردم
این بود که کدام انترناسیونال از مبارزات حلقه‌های
ستم‌دیده حمایت میکند؟ علی یک جلسه این
سؤال را مطرح کردم. چند نفر از رفقا جواب
دادند که انترناسیونال سوم است و نه دوم. یکی
از همین رفقا روزنامه "اوانیته" را که تره‌های لنین
در باره طبیعت‌ها و حقوق مردم ستم‌زاد در آن به
چاپ رسیده بزرگ داد. آن را مطالعه کردم.
در این مقاله واژه‌های سیاسی نفیسی بود که فهم
مطلب را دشوار می‌ساخت. با این همه با خواندن
و دوباره خواندن آن موفق به فهم اصل مطلب
شدم. تره‌های لنین شوق بیش از حد و شور و ایمانی
فوق‌العاده در من ایجاد کرد و چنان شغفسی از
حل مسائلم به من دست داد که از شادی به گریه
افتادم و سپس تنها در اتاقم مانند آن که در مقابل
حمیت بزرگی قرار داشته باشم، فریاد زدم:

"هم میهنان عزیز، بیچاره من این است بالاخره
راهی که در جستجوی بودیم. راه آزادی" و از
آن روز به بعد به لنین و انترناسیونال سوم
(کمینترن) اعتقاد قوی پیدا کردم. در گذشته
بیشتر شنیده بودم، فقط گوش می‌کردم و نمی‌توانستم
از این طرف و یا آن طرف بحث حمایت کنم، ولی
پس از مطالعه تره‌های لنین وارد بحث‌ها شدم
می‌شدم. با وجود این که به زبان فرانسه تسلط
نداشتم و نمی‌توانستم کاملاً نظریاتم را بیان کنم اما

کمون

پاریس



کردند و تکامل بخشیدند.

کمون ۷۱ روز بیشتر عمر نکرد، اما ساینج آن در مسیر پیروزمند جنبش جهانی رهائی‌داران قید سرمایه‌محور انسان - مارکس وانگلس، ریاضی بحرانیت دمالگسی کمون گفتند: "کمون نهاد دولت‌های دنیای گذشته می‌پیدا شدند از روی زمین زدود شده است سپروند تر از هر زمان شده است و ما می‌توانیم آنها را هم آواز شده، هر چه بد برشیم: زند می‌آید کمون"

امروزه فعالیت‌ها انسان‌دین‌پرچم‌پهروز سوسیالیسم بسری برند و آرمان کمون بیش از همیشه، در رهنا بعد و در چها رگوشه جهان دایره، نفوذ خود را می‌گسترانند، "کمون پارس" بزرگترین نمونه جنبش پرولتاریای قرن نوزدهم ارزش و اهمیت خود را پیش از پیش نشان می‌دهد.

۱۸ مار ۱۸۷۱ اعلل و عواملی چند، اهاالسی

پاریس را با انقلاب سوود اندود و فعتا حاکمیت رایه دست‌گارد ملی، بدست طبقه کارگر و حرید موزروازی پیوسته با وسپردند "و نخستین حکومت طرازی توین دارکی جهان را بنام "کمون پاریس" بنیاد نهادند. کمون پاریس در عمیق حال اولین انقلاب پرولتاریاست. در این انقلاب پرولتاریا بعنوان یگانگی نظریه‌ای گسسه توانایی رهبری اجتماعی را دارد آغاز دوران نهمین را بشارت داد و مبتکر ادوات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیاری در تطبیق با منافع زحمتکشان گردید. کمون آزمایشگاه تاریخی خونینی است که با ساس تجربه حاصل از آن مارکس وانگلس و سپس لنین احداثها را سیستم را در راه دولت و انقلاب و دیکتاتوری پرولتاریا وضع

جرا و چگونه "کمون باریس" بوجود آمد

در اوایل سالهای ۶۰ قمری ۱۹ حکومتی فرانسه و پروس هر دو با تعامل جنگ بمشروع عناصر اصلی پیشبرد سیاست خود استفاده میکردند. امپراطوری فرانسه، به فرمانروایی لوئی بناپارت، خروج از بحران حقیقی را که در آن دست و پا میزد، در گروبرافروختن آتش جنگ میدید و حکومت پروس به نامت بیسمارک جنگ را برای ایجاد آلمان واحد و متحدی زیر نظر پروس در جهت تامین منافع مالکین و سرمایه داران ضروری دانست. در ژوئیه ۱۸۷۰ بمیانناشغال چند کشور کوچک آلمانی همسایه فرانسه توسط بیسمارک جنگ با حمله فرانسه آغاز شد و ۴ روز بعد با شکست ارتش فرانسه موسارت امپراطور لوئی بناپارت، ارتش آلمان پاریس را محاصره درآورد. در آنجا امپراتور پروس با طرفداران امپراطوری بناپارت برپایه جمهوری سوم را اعلام کردند و با تشکیل دولت "دفاع ملی" وظیفهها را به امپراتور پروس را به عهد گرفتند. اما این دولت بعد از آن بحالت ضعف و فقدان تشکل کارگران بودیگز حمتگشان، بورژوازی فرانسه قرار گرفت و سیاست خائنان و تسلیم طلبانهای را در پیش گرفت و بهر حال در کار دفاع پایتخت پرداخت. این سیاست به اعتراض زحمتگشان انجامید. زحمتگشان در وارد روزهای ۱۳ تا ۱۸۷۰ و ۱۹ را به ۱۸۷۱ صلحنامه غنیمت کردند، اما قیامها توسط دولت "دفاع ملی" که بعد ولت "خیانت ملی" تبدیل شده بود سرکوب گردید. در همان حال که زحمتگشان و بهرکارگران با تشکیل دستههای گارد ملی دفاع از پایتخت را سازماندهی می کردند، بورژوازی بزرگ فرانسه با انتخاب تیمیره نخست وزیر سیاست بند و بست و سازش با دولت خارجی را تعقیب می کرد. تیمیر در ۱۶ فوریه قرارداد صلح ننگین و خیانت با پروس را

امضا کرد و متعاقب آن پس از یک رشدها دامهای ضد مردمی، در شب ۱۸ مارس دستور داد با واحد های نظامی ارتش بمحللهای دارکترشین پورتر بپرسد و کمیترکی "گارد ملی" را حلیع سلاح کنند. کارگران بها خواستند، واحد های نظامی نیز به کارگران پیوستند و با حمله مقابل موسسات دولتی را بهر حال خود در آوردند. تیمیره پروسای گریخت. حکومت پاریس بدست کمیترکی گارد ملی، یعنی نمایندگان کارگران افتاد و در چشم بر فراز مجلس پاریس برافراشته شد. بدینسان برپایه نخستین حکومت کارگری جهان اعلام گردید.

نخستین حکومت کارگری جهان علاوه بر دفاع از ماسع طبقاتی پرولتاریا در برابر سرمایه داری و وظیفه دفاع از ماسع ملی را نیز به عهد گرفت، در حالی که بورژوازی تسلیم طلب ماسع ملی را فدای منافع ماسع طبقاتی خود کرد. روزنامه رسمی کمون در اولین شماره خود با اشاره بهمین واقعیت چنین نوشت: "کارگران فرانسه ما شده شلست و خیانت است طبقات فرما ترواد را یافتند، زمان آن فرارسید است که آنها امورا جنماعی را در دست خود گرفته راجتماعی بیابند. در یافتند که این وظیفه مهم به عهد است. آنها گذاشته اند و این حق مسلم به آنها تفهیم گردید. که حامی بر سر نوشت خویش گردند و قدرت حاکمه را در دست گیرند. مصلاب و آلامی دهد را اثرنا شایستگی سیاسی و پیوستگی معنوی و فکری بورژوازی بر سر فرانسهاست برای اثبات این نهنه بر کارگران کافی بود که دران بورژوازی فرانسهم بر سرید است. بورژوازی وظیفه ای را در ۱۷۸۹ به عهد هداشتانجام داد و نباید جای خود را به زحمتگشان بسپارد و لا اهل به آنها امتنان دهد که آزادی اجتماعی نایل آیند."

اقدامات "کمون"

اقدامات وسیع، حکومت نوین، انتخابات بود.
 طی این انتخابات ۸۶ هزار نمایندگان مردم تعیین شدند.
 بعد از آن نیز خروج ۲۰ هزار سرباز از هنگ‌های بورژوازی بزرگ و متوسط از ترکیب نمایندگان، کمون اقدام به برگزاری انتخابات تکمیلی کرد و جان شیسان آنها را برگزید.
 در ترتیب نمایندگان تعداد ۲۰ هزار ارتدوگرا و ۲۰ هزار روشنفکران بودند و بهورثلی / ۴۰ هزار مجوس نمایندگان را اعضای شعبه فرانسوی انتر-ناسیونال و هموار آنجمل طرفداران بلانکی، پرودون و باکونین تشکیل می دادند.
 در بین آنها چند نفر مارتسیست پادسانی یا ایدئولوژی نزدیک به مارتسیسم نیز بودند.
 لذا ترکیب نمایندگان ناهمگون بود و در نتیجه کمون از یگانگی اندیشه و عمل در باره و اهداف آنی حکومت برخوردار نبود.
 به همین دلیل مارتسیست صمن آنکه "سرگردان" تند روز از اقدامات زود بریر حذمی داشت بهرولتا ریای به "عمرت پرور برده"
 مانند یک همزم، بیث مشاور صمیمی، یک شریک مبارزه نبود.
 مردم پر حوردمی برد می نوشت "بیام با ریسیر علیه رژیم هر چه روی دهد، حتی اگر توسط ترکمپسا، لارازها، سن سوله‌های جامعه" که سن سرکوب هم شود پرا صاحبان زمین، فرمانی حزب ما پس از ماههای روشن است."
 "کمون پاریز" با آنکه در غیرینسنگ داخلی بود دست به اقدامات بنیادی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و غیره میبرد که به پیشی از آنها بهرست و ارشاصی شود.

— انحلال ارتش و پلیس بورژوازی و سپردن امور آن به دست خلق مسلح، یا با رد ملی،
 — انتخابی بودن همه ارگانها و مقامات دولتی،
 — لغو سیستم پارلمانن استم، پرزولتی و مرکز امور اجرایی و قانونگزاری در دستهای خود،
 — لغو بورژوازی و واگذاری ادارات،
 — تجدید کردن کلیه سازمانها و ولت،
 — لغو حقوقهای گزاف مقامات دولتی،
 — لغو کارشایان معوض جرم معذور سران معنیجات غیر قانونی کارگران و نگارندگان،
 — لغو مروس مربوط به کارمندان و استرداد اموال کارگران در بانک رهنی،
 — برقراری حداقل دستمزد،
 — تشکیل نظارت کارگری بر تولید مؤسسات بزرگ،
 — تأمین کار برای بیکاران،
 — تصویب و گذاری امور موسساتی که صاحبانشان فرار کرده بودند به دست انجمنهای کارگری،
 — اجرای آموزش رایگان و تلفیق آن با تعلیمی،
 — سازماندهی موزهها و کتابخانهها و سپردن امور هنری به دست انجمنهای هنرمندان،
 — میدان دادن به خلاقیتها و ابتکارهای زحمتکشان در سازمانها و کمیته‌های آنها،
 — سرانجام بدون "بخوان نمونه" صلح و مذاکراتی کارگری، ستون "و اندم" را در مطهر نظامیگری و جنگ امروزی بود پائین کشید و برادری زحمتکشان همه کشورهای را اعلام کرد.

"کمون" به عنوان مظهر انترناسیونالیسم کارگری

اگرچه "کمون پاریز" نمایندگی همه عناصر را لسم

— شکستن ماشین پلیس — بورژوازی و تشکیل دولت دیکتاتورانه به نخستین شکل — یکنا سوری پرولتاریا در تاریخ بشر،

گفته‌ها و نکته‌ها

درس اسلامی اوزال نخست وزیر ترکیه به "اولیای فقیه"

"مسئله اعلام محق بود یکی از طرفین نیست من اعتقاد به این دارم و چندین بار نیز این موضوع را گفته ام، خدا در نهایت به حساب ظالمین می‌رسد، تا اندازه ای هم باید این مسئله را به روز قیامت محول کرد."
(اطلاعات ۱۰/۱۰/۱۶)

— قیامت کچه دیر آید بیاید.

سوپر مارکت بین المللی

"من از آن کسانی بودم که در مورد این سوپر مارکتخانه (کشاوری) انتقادات شدید داشتم که یکی از آنها وارد کردن جواز تسریه بود و در بحث لایحه بودجه هم گفتم که این شکم ما سوپر مارکت بین المللی شده که گوشت از اروپا و پنیر از بلغار و برنج از تایلند و همه چیز از خارج می‌آید و تولیدات داخلی کجا رفته است."
(معماری نمایندگانه مجلس کیهان ۲۴/۹/۶۶)

کشف تاریخی ولی فقیه

"آن چیزی که می‌خواستم امروز عرض کنم آن است که ... این قضایا باید بررسی شود که چی است. از جمله شکست خوردن طاق کسری و فرو رختن چهارده کنکره از آن قصر ... این که چهارده کنکره از کنکره های قصر ظلم خراب شد بنظر شما نمی‌آید. یعنی در قرن چهارده هم این کسار می‌شود یا چهارده قرن بعد این کار می‌شود به نظر شاید بیاید. این محتمل هست که بنمای ظلم شاهنشاهی بعد از چهارده قرن از بیسن مسرید."
(کیهان ۱۰/۹/۶۶)

سازماندهی جنبش . . . بقیه از صفحه . . .

در دهه‌های رژیم پهلوی باید بر پایه شعار صلح معنا بنات و حلافت‌های تودهای را که سردمدار حاکمیت‌های از آن‌ها را در ریشه انقلاب به مظهر رساندند برانگیخت و آن را به نظا هر آشکارا رولنیستی به شیوه‌ای که رژیم اسلامی نیز مانند رژیم‌های سابق از ریشه سردرگمی و بی‌تکلیفی، ناتوان از مقابله با اشغال اینکاری تودها باشد در آورد. و در راستای این کار تودها سازماندهی جنبش صلح را تا همین نمود و آن را به سطح مبارزه همگانی ارتقا داد. آنچه که در عین حال هم‌مینه‌ساز و هم‌محل چنین اقدام اساسی است می‌تواند از جمله در موارد زیر تا کسید

گردد:

۱- افشا: بی‌وقفه سیاست ادا مچنگ بمتابۀ عاملی که بقا، رژیم‌ها و استیلاست باید بهره‌ناکاید نمود که بیرونی‌های هر چند ناچیز و جزئی رژیم رجبیه‌ها هموار بصورت عاملی در جهت تثبیت آن بود رخدمت سیاست ادا مچنگ عمل نموده و خواهد نمود.

۲- افشا: مستمر اثرات مستقیم و غیر مستقیم جنسگدر زندگی و حیات حال و آیند کشور.

۳- خودداری و جلوگیری از رفتن بمجیبیه‌ها و بیوزنه نضت آن‌ها به اشغال اینکاری برپایه همیاری و کمک متقابل.

- ۴- امتناع از کمک بمجیبیه‌ها و پشت جیبیه‌ها.
- ۵- تشویق مرا از جیبیه‌ها و پشت جیبیه‌ها.
- ۶- جلوگیری و ممانعت از اغرام دانش آموزان و کودکان بمجیبیه‌ها.
- ۷- یافتن اشغال همانگی مجموعه این اقدامات در محل کار، زندگی و تحصیل.

تا بود باد بساط خفقان و شکنجه خلق!

گراشی از کنگرد اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه

سندیکالیسم

در قلب تحصیل

هفتاد و یکمین کنفره اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (U.E.F.) در روز همبستگی سراسری کارگران جهان، اول ماه مه، در شهر لیموز فرانسه با شرکت نمایندگان دانشجویان دانشگاه‌های فرانسه و همچنین نمایندگان دانشجویان کشورهای مختلف برگزار شد. بعد عوت دفتر مرکزی اتحادیه، نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان مکرات ایران (ادیسی) و سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) در این کنفره شرکت داشتند. در چهار سازمان جوانان و دانشجویان مکرات ایران به کنفره، که بخشی از آن در روزنامه داخلی کنفره به چاپ رسید، آمده بود:

"کنفره شهادت شرایط فوق‌العاده بحرین و شوار جهانی کار خود را آغاز می‌کند. امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا با دنبال نمودن یک سیاست نظامی گریزانه، تشدید تشنج بین المللی و امن زدن به جنگ سرد، جهان را با خطر نابودی هسته‌ای مواجه نمود است."

مسئله صلح برای مانع از اهمیت بسیاری برخوردار است. اکنون نزدیک به شش سال است که خلقهای کشورها درگیر جنگی خانمانسوزند که توسط امپریالیسم برهما تحمیل گردید است."

جمع‌آوری امضا در حمایت از ختم سریع جنگ ایران و عراق، محکوم ساختن دستگیری، آزار، شکنجه و اعدام رهبران دانشجویی و دیگر انقلابیون ایرانی، و انعقاد نمایشگاه عس مشرک با هیئت نمایندگان دانشجویان عراقی در مورد جنگ، از جمله

فعالیهای ادیسی، در جمع نمایندگان دانشجویان بود.

بخشی از کنفره در روز دوم اختصاص به معرفی میهمانان خارجی داشت. وقتی که نام سازمان دانشجویی ایرانی حاضر در کنفره قرائت شد، شور و شعف نمایندگان دانشجویان شرکت‌کننده حد و مرزی نداشت و با شعارهای پیاپی، همبستگی خود را با مبارزات دانشجویان و جوانان ایرانیساز ابراز داشتند.

در گزار بر اوضاع بین‌المللی به کنفره از جنبه‌های ایران و عراق به عنوان جنگ "حزین و مرگ‌آور" یاد شده و در ادامه گزارش آمده بود "در اینجا به اتفاق دوستان ایرانی و عراقی که در میان مساه حضور دارند، خواستار پایان جنگ میان دو کشور و آغاز مذاکرات طرفین هستیم." در گزارش در مورد محکومیت رژیم ایران گفته شده بود "رژیم ایران در مزارتها و تمام کسانی را که مخالف ادامه جنگ هستند دستگیر زندانی می‌کند."

پس از چهار روز بحث و بررسی و تبادل نمونه‌ها و تجارب مختلف بدست آمده، در مبارزات روزانه هر نماینده و هر دانشگاه، کنفره با قرارداد امن محسور مبارزه بر شعار "سندیکالیسم در قلب تحصیل" کار خود را با موفقیت پایان داد.



فواستعمار

بقیه از صفحه ۲۱

برای دورهای سبناهلوانی، بیورمهر از شکست
معضلانه ایالات متحده در وینامواد ارسیده
عقب نشینی جدی کرد. حضور نظامی امپریالیسم در
حاك کشورهای رشد یابنده تا هفت پدا اگسرد و
امپریالیسم پیش از پیش سیاست های مواسمعماری
کنترل تحولات اجتماعی - اقتصادی در کشورهای
آزاد شده در چارچوب حوضه نظام سرمایه داری روی
آورد. درگرونی در وضع بین المللی، شرایط ماسیسی
برای اوچگیری جنبش های رهایی بخش فراهم آورد.
سی دهه هفتاد چندین انقلاب رهایی بخش از
جمله در مناطق نمودنسی امپریالیسم به پیروزی
رسید.

از او آخر دهه هفتاد، تلاش های نهن نمود
استعمار برای تنهیت وضع معالیه با اوضاع پس از جنگ
وینام آغاز شد. استمراری "امپوس آرام" (جرالد
فورد - ۱۹۷۶) و همل آن "استمراری جزایر"
می بایست سامان نویی به آراییز نیروه های
امپریالیستی می بخشید. بر مبنای این استمراری
ایالات متحده با ایجاد شبکه ای از پایگاه های هوایی
و دریایی در جزایری که از حوضه نظراستراتیژیک اهمیت
دارند، می بایست حضور نظامی خود را در ریاه ها
تعویت و صلحه جوهر را در مناطق نحت نمودن تنهیت
ند. در مرحله بعد، طبق آیین نویی کیوسیله
تا ریزد ر ۱۹۸۰ اعلام شد و بعد ها در دوران ریاست
جمهوری ریگان به اساس سیاست خارجی ایالات
متحده تبدیل شد. این نیروها آمادگی یافتند تا
در هر نضمه از دیوان ده جنبش های رهایی بخش
منافع تا رنگرنگاری راه "منافع حیاتی" امپریالیسم
نماید می شدند تهدید کنند. این جنبش ها راپسه

اوضاع وسایل از جمله نیابور نظامی سرنوب کنند. بر
این اساس بوده سپاه چند صد هزار نفری وانشر
سریحه حوزه عمل اصلی آن خلیج فارس است
تندیل شد. با تلاش های دولت کنونی آمریکا برای
بازگشت به دوران حضور مستقیم نظامی در کشورهای
رشد یابنده، با مخالفت جدی و روز افزون جهانی
روبرواست، و دامنه نجاورگری نظامی امپریالیسم
هنوز یادوران جنگ سرد قابل مقایسه نیست. این
وامعیات پیرویی نشان می دهد که طیرم ریاه های
پنتاگون، دست آورد های پیشرفت روند انقلابی
جهانی رانی توان از میان برداشت.

تشکیل پیمان های نظامی ارتجاعی و نجاورگرانه
میان کشورهای رشد یابنده، با شرکت مستقیم یا غیر
مستقیم درت های امپریالیستی نیز یکی از محورها ی
استمراریك سیاست نو استعماری است. پس از
مروپاشی بلوک های نظامی میان کشورهای رشد
یابنده و قدرت های امپریالیستی از جمله پیمان
سینو (۱۹۵۴) و پیمان بغداد (۱۹۵۵) وید نیال
آن پیمان سنتو (۱۹۵۸)، در سال های اخیر
تلاش نو استعمارگران بر آن بوده است که نسام
جدیدی از پیمان های نظامی میان کشورهای رشد
یابنده، در خدمت منافع استراتژیک امپریالیسم و
بدون شرکت مستقیم درت های امپریالیستی تشکیل
دهد. آنچه امپریالیسم موفق به تشکیل پیمان
نظامی نشود، پیمان های اقتصادی میان رژیم های
ارتجاعی را نشوق می کند و سپهر می کوشد تا پیمان
پیمان ها هر چه بیشتر جنبه نظامی بدهد. تشکیل
شوراهای همکاری کشورهای خلیج فارس، سازمان
عمران مشفقای و پیمان آسآن (اتحادیه ملل
آسیای جنوب شرقی) نمونه هایی از موفقیت های
بقیه در صفحه ۴۸

به مناسبت روز ۵۵۵

بقیه از صفحه ۹

آبیم در شهرها و اغلب با پرداخت شهریه سنگین می‌توانند به دوره آمادگی راه یابند .
راه یابی به دبستان با مشکلاتی کمتر از دوره آمادگی روبرو نیست . چنانکه برابر آمار رسمی تعداد کودکان بین ۱۳-۶ سال که به مدارس راه نیافته اند به ۵ میلیون نفر می‌رسد .
(کتاب آمار ایران) کودکانی هم که بخت با آنان یار بوده و وارد مدرسه شده‌اند نیز کمتر شانس ادامه تحصیل می‌یابند . بطوریکه از هر ۱۰۰ دانش‌آموز دبستانی فقط ۲۵ نفر به دوره راهنمایی می‌روند . بدیهی است که نسبت این محرومیت در روستاهای فلک زده ایران بیشتر است . در روستاهای ایران از هر ۱۰۰ دانش‌آموز دبستانی فقط ۶ نفر به دبیرستان راه می‌یابند . (کتاب آمار ایران)

کمبود تعداد واحدهای آموزشی در ایران ۴۵ میلیون نگار را به جایی کشانده که اگر می‌تواند آموزش و پرورش صریحا در مجلس اعلام داشت :
"برای سال تحصیلی ۶۵-۶۴ به ۲۵ هزار کلاس و چهار هزار واحد آموزشی نیاز دارند ولی عملا قادر به ساختن بیش از صد مدرسه نیستند" (اطلاعات ۱۵ مهر ماه سال ۶۴)

سیاست ضد مردمی رژیم در سیمای بی تفاوت و غیر مسئولانه آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان ما بنا به اظهارات نماینده قانان در مجلس شورای اسلامی به نحو دیگر نیز خود را نشان می‌دهد از جمله آنکه مسئولان آموزش و پرورش با صدور بخشنامه‌های اداری کلاسهای را که در روستاهای ایران با دانش‌آموزانی کمتر از ۲۵ نفر تشکیل می‌گردد تعطیل می‌نماید و کودکان را با بی‌رحمی اشکار به سرنوشت نامعلومی می‌سپزند .
و خامت وضع آنجا است که وضع کودکان ایران در این رابطه هر سال بدتر از سال پیش می‌شود .
چرا که حد نصاب دانش‌آموزان برای تعطیل کلاسها اگر اکنون ۳۵ نفر اعلام شده است در سال ۶۱ کمتر از ۱۵ نفر بود است .

سیستم آموزش و پرورش و محتوای کتابهای درسی

مهم‌تر از کمبود جدی واحدهای آموزشی سیستم و فضای آموزشی ما است . فضای آموزشی در کشور به گونه ایست که نه تنها باعث شگفتی شدن استعدادها نمی‌شود ، بلکه خسر جدی برای آینده کودکان و کشور ایجاد کرده است . هر روز کتابهای درسی بیشتر از محتوای علمی تئوری و جای آن را اوهام و احادیث چهارده قرن پیش می‌نهد . کم شدن جذابیت و محتوای غیر مفید ، عقب مانده و خرافه پرور کتابهای درسی ، اخراج معلمین با تجربه دگراندیش ، جایگزین کردن آنها با معلمین کم سن و سال و بیسواد که از طرف مراجع اسلامی معرفی شده‌اند و بعد اقل شرایط تدريس را ندارند ، بازگشت به گذشته عتیق و احمقانه روشهای منسوخ پدر سلسلاری فضای رعب و وحشتی در محیط آموزشی ایجاد کرده است که کودکان امروز با علاقه و کوشش همراهی کمتری به تحصیل می‌پردازند . بنا به اکتشاف خود مسئولین جمهوری اسلامی معلومات و اطلاعات دانش‌آموزان کمتر و نگران کننده‌تر می‌شود از شمارهای فرمایشی هم تاکنون کاری برنهادند است و انتظار مجبزه از آنها بعید است چرا که علت اصلی و مادر همه این مشکلات و معضلات در نحوست نظام حاکم بر جامعه ، خرافه پرستی ، واپسگرایی و طمع ستیز بودن خود سردمداران مملکتی است . زیرا که پایه آموزش در نظام اسلامی اوهام ، اراد ، خرافات و ترویج شیویم مذهبی است .

تشویق به جاسوسی و خبرچینی از دیگران سیاست رسمی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش است . چنانکه شعار "خبرچینی اگر برای اسلام باشد واجب است و حرام نیست" از شعارهای آشنایی است که در ویدیوهای تمام مدارس را پوشانده است .

نیروی گرفتار انجمن‌های اسلامی که در واقع نهاد جاسوسی و چشم و گوش‌ارگانه‌های رسمی هستند باعث شده که کودکان ما از حد اقل آزادی برای ابراز شادی کودکان خود در محیط مدرسه محروم باشند . حذف برنامه‌های هنری شاد از برنامه هفتگی مدارس و جای‌گزین کردن آن با

در موقع ثبت نام دانش آموزان پرداخت نمایند *
 (اطلاعات ۸ خرداد ۶۵)
 بدین ترتیب اگر تاکنون اخذ مبالغی از این دست
 غیر رسمی بود جنبه رسمی پیدا می کند * کودکان
 باز هم بیشتر از آموزش لازم محروم می شوند *
 ورزش و تفریح

ورزش و تفریح اصطلاحاتی بیگانه در نظام
 جمهوری اسلامی هستند * به موجب پخشنامه های
 صادره از سوی آموزش و پرورش اولاً شغل معلمی
 ورزش دستاویز حذف می شود * ثانیاً از ساعات
 ورزش دانش آموزان برای تدريس "قرآن" و "حدیث"
 استفاده می شود * سخنان غفوری فرد زیر وریش
 کمیته ملی المپیک در این زمینه جالب است ا و
 می گوید "حذف معلمان ورزش از یک جهت خوب
 و از یک جهت بد بود * چرا که از یک سو هزینه
 صرفه جویی می شود * اما متأسفانه ورزش مدارس
 نسبت به گذشته عقب رفته * اگر چه من موافق حذف
 معلم ورزش از دبستان بودم * اما انتظار داشتم
 ترتیبی داده شود تا از معلمان اضافی استفاده
 شود و بچه ها در ساعات ورزش بیگار نباشند و
 اجباراً به دروس یا کارهای غیر از ورزش نپردازند *
 (زن روز ۱۷ اسفند ۶۴)
 البته مراد و مقصود آقای رئیس کمیته المپیک از
 "درس یا کارهای غیر ورزشی" به هیچ وجهت ریس
 قرآن و حدیث نیست *

در جهانی که ورزش عنصر اساسی وسیله پرورش
 جسم و جان جوانان است و از ورزش برای پرورش
 انسانهای سالم * شاد * صلح دوست * با فضایل عالی
 استفاده می گردد و مبادین ورزش در سطح جهان
 در خدمت نزدیکی * تفاهم و برادری ملت های جهان
 قرار دارد و آرمان صلح بوسیله جوانان ورزشکار
 و قهرمانان مبادین ورزش و ورزشستان جهان
 بروج و روان مردم جهان بخاطر میارزه با اهداف
 جنگ طلبانه و جنایتکارانه محافل امپریالیستی
 دیده می گردد و مسابقات متنوع و ابتکاری منطقه ای
 و جهانی برای نزدیکی ملت ها بهم سازمان داده
 می شود اظهارات غفوری فرد آنهم در مقام رئیس
 کمیته ملی المپیک چهره تپه کارانی را نشان می دهد
 که د و پهلوی به محافل جنگ طلب امپریالیستی

قراقت و تضییع قرآن * تفسیر حدیث و نحوه خوانسی
 سبب آن گفته که کودکان رنجیده کشر ماروز بروز
 پز مرده تر و گوشه گیر تر شوند * رژیم در اسلامی
 کردن آموزش و پرورش (بخوان ضد انسانی کردن
 آن) تا آنجا پیش رفته که برای پیاده کردن طرح
 کاد (طرح کار در حین آموزش) از کودکان برای
 شستشوی مرده در مرده شوخ خانه و یا کندن قبر
 در گورستان استفاده می نماید *

شهریه اجباری سدی دیگر پیش پای
 دانش آموزان

طبق قانون اساسی ایران آموزش دانش آموزان تا
 پایان دوره دبیرستان رایگان می باشد و قاصدا
 نباید حتی یک ریال از والدین دریافت شود * ولی
 از آنجاییکه سردمداران و دولت مردان نسیظام
 ولایت فقیه استاد یافتن فرها و کلاه های شرمی
 هستند به طرق مختلف تحت عنوان کمک به جیبه
 تسهیلات آموزشی * کمک به انجمن اولیا و مربیان و
 غیره و غیره * خانواده ها را می دوشند و از آنها
 شهریه های گزافی می گیرند * بخش قابل توجهی از
 این مقدار را خانواده ها باید هنگام ثبت نام
 فرزندانشان بپردازند در غیر این صورت از جای
 خالی برای کودکانشان در مدرسه خیر نخواهد
 بود * طبیعی است که ملیونها خانواده زحمتکش
 که بطور متوسط دارای سه تا چهار فرزند هستند
 نتوانند از مهده پرداخت این مبالغ شرمی بپردازند *
 در شرایطی که بنا بر اظهار معلم یکی از دبستانهای
 استان گیلان منتشره در مجله زن روز ۸ آبان ۶۴
 فقر و فلاکت مالی خانواده ها سبب شده است که
 کودکانی که ارزش اقتصادی برای سفره خالی خانوا
 ده ها دارند بدمرسه اعزام نگردند * پرداخت
 شهریه و وجوهی با عنوان گوناگون چگونه می تواند
 مشوق چنین خانواده هایی شود تا دلبندان خود
 را با سود نمایند *

تیره آموزش و پرورش از کیسه گشاد آخوندی
 گشاد تر است و به همین منظور علاوه بر مبالغ غیر رسمی
 فرمهای یا مهر انجمن اولیا و مربیان چاپ کرد تا
 تا خانواده ها به گفته اکرمی وزیر آموزش و پرورش
 رژیم با پر کردن آنها بر اساس توان مالی میلی
 بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال "به عنوان کمک به انجمن

می‌زنند. * ورزش يك مسئله حیاتی است و اهمیت آن چندین برابر قبل از انقلاب می‌باشد. بعد از انقلاب ما با ابر قدرتها در افتادیم و قصد داریم از راه کریلا، قدس را آزاد کنیم و می‌دانیم کایشها شعار نیست و این کارها نیاز به بدنهای سالم برای مبارزه دارد. * (زن روز ۱۷ اسفند ۶۴)

پایه توجیه داشت آنچه که در رابطه با ورزش اظهار می‌شود به هیچ وجه مقصود از آن لزوم و ضرورت ورزش برای همه دانش‌آموزان نیست. در این مورد نیز به پیروی از اوامام ارتجایی نظام ولایت فقیه تمایز و جدائی آشکار بین دانش‌آموزان پسر و دختر وجود دارد. زیرا دختران در نظام اسلامی صرف نظر از سن و سال خود بطور کلی محسوم از ورزش هستند و راستای تربیتی ورزشی را طوسی می‌کنند که ریشه در تفکر اندرینی و آشپزخانه‌ای بنیاد عقب مانده دارد. تنها ساعات ورزش مدارس و معلمین مدارس حذف نمی‌شوند، کودکان ایرانی از استفاده از کلوبها، باشگاههای ورزشی هنوز با برجها، استادیمهای ورزشی، سالنهای شنا و غیره و غیره نیز محرومند و اکنون مدت است که این امکانات جز در راستای خدمت به اهداف جنگ مورد استفاده قرار نمی‌گردد. این امکانات به مثابه یادگانهای آموزش نظامی در خدمت شوینس مذهبی حاکم بر جامعه ما عمل می‌کنند.

استفاده از پارک تفریح اربان قیمتی است که می‌تواند و باید در دسترس همگان باشد اما در بسیاری از نقاط کشور ما حتی يك پارک هم برای استفاده همگان وجود ندارد. وجه بسا کلمسه پارک برای بسیاری از کودکان ما کلمه ای است بیگانه و نا مفهوم. در تهران ده میلیون هم که اداره ورزش و تفریح بنام "سازمان پارکها" وجود دارد تعداد پارکها بقدری ناگافی است که تمام کودکان نمی‌توانند از آن استفاده کنند. خبرنگار زن روز در گفتگو با کودکان جنوب شهر تهران از یکی از کودکان می‌پرسد آیا تا بحال به پارک رفته است؟ کودک با حسرتی که در صدایش نهفته، پارک کوچک محله خود را (بخوان زمین خاکی و بایر) می‌نگرد و می‌گوید یکبار رفته ام. آن هم از طرف مدرسه، ما را به پارک ملت بردند. چقدر خوب و قشنگ بود. خیلی هم بزرگ بود. چقدر دلم

می‌خواست زمین این پارک را مثل آنجا از مرمر درست کنند. *

محدودیت امکانات تفریحی، پارک و فضای سبز باعث شده که کودکان بالاچاره به خیابانها و کوچه پس‌کوچه‌های کثیف و حاک آلود کشانده شوند. امروزه بازی کودکان در خیابانها یا کوچه های پر ازدحام، کثیف و اغلب خاکی که محل رفت و آمد وسایل نقلیه نیز می‌باشد امریست طبیعی. در این زمینه صفحات حوادث روزنامه های رژیم طبرغم تمام کوششی که برای مخفی کردن اینگونه اخبار ناگوار ولی گویا می‌شود، از صحنه های دلخراش نظیر تصادف کودکان با ماشین، له شدن زیر چرخ کامیون، رفتن زیر قطار، سقوط در چاه خیابان، و برق گرفتگی و غیره و غیره پراست. کودک کشور ما بی پناهنترین و در عین حال محروم ترین قربانی موجودیت رژیم است که با داعیه تسطیح اسلامی همه امکانات مادی و معنوی مردم زحمتکش ما را در خدمت اهداف ارتجاعی خود قرار داده است. کودکان در جامعه ما به آسانی رنجیده می‌شوند، به کارهای بیست و انحرافی کشیده می‌شوند و بعلمت عدم حمایت در قبال جامعه‌ای ظالم از همان سنهن کودکی از آغوش خانواده رها و به درون مناسبات وحشت انگیز رها می‌شوند و خود را به تنهایی باید مدافع شخصیت انسانی خود شوند.

کودکان و جنگ

جنگ ایران و عراق در آستانه هفتمین سال خود که همچنان به تعداد قربانیان، ویرانی‌ها و آوارگی‌ها، فقر و تنگ دستی خانواده‌ها و هزاران عوارض دیگر می‌افزاید از جمله اثرات فاجعه بارید رزندی حال و آینده کودکان ما بجا گذاشته است. مدتهاست که اعزام کودکان به جبهه‌ها به سطح سیاست رسمی جمهوری اسلامی ارتقا یافته است. بگفته اکرمی وزیر آموزش و پرورش در صورت نیاز جبهه‌ها ۵۰۰/۰۰۰ دانش‌آموز به جبهه اعزام خواهند شد و این تعداد می‌تواند تا ۱۰۰۰/۰۰۰ دانش‌آموز را در بر گیرد. او با وقاحت تمام افتخار می‌کند که ۵۲۴۵۰ درصد نبروهای بسیج را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. *

هم اکنون در مدارس کشور ما ساعت در هفته

کودکان و کار

استثمار کودکان از طریق استفاده گسترده از کار آنان در ایران امروز و دیروز مطلقا امری نشده است. ای نیست. در حال حاضر صدها هزار نفر از کودکانی که به سن کار نرسیده اند حتی مراحل اولیه رشد را طی نکرده اند. در کارگاهها و کارخانههای قالیبافی، نساجی، کبریت سازی، آهنگری، تعمیرگاهها، کوره‌های مزارع و کشتزارها مشغول کارند و در آنها و در آنها هزار نفر بعنوان پاد و و شاکرد مغازهها از کار توان فرسای رنج می‌برند. بسیاری از آنان نه تنها مخارج خود بلکه باید بار سنگین مخارج خانواده‌های خود را نیز به دوش کشند. همه این کودکان بیرهانس

در سیستم تدریس می‌شود و کتابهای نظامی تهیه و در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است. این هنوز کافی نیست. به موازات همه این اقدامات هر روزه مبلغین و مروجین مذهبی را که در واقع بشر مرگ نیستی هستند راهی مدارس می‌نمایند تا با کودکان و نوجوانان برخورد کنند. جنبه‌ها را از تعداد باز هم بیشتری از کودکان و نوجوانان پرنماینند. جنگ در همین حال باعث شده است که میلیونها کودک از هرگونه احساس امنیت محروم شوند و در ترس و دلهره دائم بسر برند و انواع بیماریهای عصبی و روانی در بین آنها رواج باید تا جائیکه رئیس هیات مدیره سمینار شیوع بیماریهای روانی در کودکان آن را خطری جدی برای آینده مملکت توصیف کرد. جنگ و آوارگی میلیونها خانواده، زندگی را



برای کودکان این خانواده‌ها به جهنم واقعی تبدیل کرده است. با کشته شدن مدها هزار نفر در جیبها کودکان بی‌شماری علاوه بر از دست دادن پدران خود بنا بر قوانین ارتجاعی و ضد انسانی "مدنی" از مهر مادری نیز محرومی شوند و تحت قیوبت بستگان پدری مثل پدر بزرگ و صومعه قرار می‌گیرند و این در حالی است که در اعلامیه جهانی حقوق کودک بر سراحت تاکید شده است که نه تنها کودک "نباید در سنین اولیه حیات (جز در موارد استثنائی) از مادر جدا شود" بلکه "اقدامات دل‌تسها باید به نحوی باشد که جمای حال خانواده‌ها را بر کند."

استثمار می‌شوند و حاصل کار آنها به قیمت رنجوری و ناتوانی آینده آنها به جیب غارتگران سرازیر می‌شود. استفاده از کودکان مطلقا تابع فایده‌مندی نیست. ساعات کار آنها نامحدود است. بیمه نیستند. در قبال حوادث کار مطلقا کسی جوابگو نیست. دستمزدها شان بسیار ناچیز و چه بسا فاقد دستمزدها. از روابط بسیار ظالمانه محیط کار رنج می‌برند، تشبیه می‌شوند، کتک می‌خورند و مجبور به اطاعت بی‌چون و چرا و تن دادن به هر نوع رابطه تحقیر آمیزند.

آنچه که بیان شد همه فجایع و وقایع و شرح حال

دبیر اتحادیه علمی دانشجویان فرانسه در

گفتگو با "آرمان"

ما پشتیبان مبارزات

جوانان ایران علیه رژیم و برای صلح و آزادی هستیم

به مسأبت برگزاری ۷۱مین کنگره اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (UNEF) خبرنگار آرمان در فرانسه با دبیر روابط بین المللی اتحادیه به گفتگو نشست. پیر بریانی دبیر بریانی در این گفتگو شرح مسائل و مشکلات دانشجویان در فرانسه پرداخت و پشتیبانی مجدداً اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه را از رزم جوانان میهنمان برای صلح و آزادی و همچنین از سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بیان داشت. با هم این معا. به راس خوانیم: **آرمان**: باتشکر، در آغاز گفتگو خواهش می‌کنم برای آشنایی خوانندگان آرمان با وضعیت دانشجویان و جوانان فرانسوی از شرایط زندگی جوانان صحبت کنید.

پیر بریانی: همانطور که می‌دانید امروز در کشور ما دوباره "راست" حکومت را در دست گرفت است و سعی می‌کند بحران سرمایه‌داری را محتمل جلوه دهد، بر فردگرایی بی‌فزاید و دانشجویان را نسبت به مبارزه بی‌تفاوت کند. مبارزاتی که دانشجویان در فرانسه علیه قوانین ضد دانشجویی، قبل از سال ۱۹۸۱ (انتخاب سوسیالیستها) انجام دادند، به علت تصویب و اجرای مجدد آن در دوران حکومت سوسیالیستها، هنوز ادامه دارد، به سه عنوان مثال باید از قانون دوازدهم سهم دولت در بودجه بیمه دانشجویی نام برد. بدین ترتیب که اکثر مبلغ بیمه را باید دانشجویان پرداخت کنند و باقی مانده آن، بخشی از بودجه دانشگاه و بخش ناچیز دیگری از بودجه خدمات درمانی (دولت) تامین می‌شود. در حال حاضر اتحادیه ما تنها سند پدای دانشجویی است که با اجرای این قوانین مبارزه می‌کند. اینک با ائتلاف راست و سوسیالیستها، وضع بدتر هم شد. به طور کلی آنان می‌خواهند چنین وانمود کنند که راه حلی وجود ندارد و ما سعی می‌کنیم نشان دهیم که جامعه بشری در شرایط کنونی خواهان دانشگاهی نو، شرایط زندگی بهتر و پیشرفت علمی و فنی، خارج از سترجیرانهای سرمایه‌داری، می‌باشد.

آرمان: نقش اتحادیه شما در مبارزات دانشجویی فرانسه چگونه است؟

پیر بریانی: اتحادیه ما امروزه اولین سند پدای فرانسه می‌باشد. دولت راست تمام تلاشهای خود را انجام می‌دهد تا اتحادیه ما در کشورها دارای نمایندگی نداشته باشد، از کنگهای دولتی بهره مند نشود و در دانشگاه نقش موثری نگیرد، ما سفارحه در دوره دولت سوسیالیستها نیز این سیاست تغییرچندانی نداشته است، اما ما یگانه سند پدای دانشجویی هستیم که از حق تحصیل برای همه، حق زندگی بهتر، شکوفایی و پرورش علمی و فرهنگی دانشجویان، کارهای، دوره‌های کارآموزی موثر برای پرورش متخصص و حق تحصیل برای خارجیان دفاع می‌کنیم. امروز در دانشگاه‌های فرانسه تنها ۸٪ فرزندان کارگران مشغول تحصیل اند. **خوابگاه‌ها و**

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!

در سخنرانیهای دانشجویی روز به روز وضع بدتری پیدا می‌کند. صیقل بررسی‌های انجام شده در دانشجویانی که از این امکانات استفاده می‌کنند، معمولاً در تحصیل ناموفق، زیرا اینها با آنها، فداکاریها و دیگر امکانات رفاهی و آموزشی که تحت‌الحمایه‌های حکومتی و دولتی در اختیار آنها قرار داده شده، مانع از تحصیل عالی و برای متعین کردن سیستم آموزش عالی با شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه، می‌آید. برای ما شعار دولتهای مختلف مهم نیست بلکه ما بر عملکرد آنان تکیه می‌کنیم. خواه دولت سوسیالیست باشد، خواه دولت راست مارا مشخص برای خروج از حصران راه از وطن مبارزات دانشجویی بدست آورد باید راهی می‌دهیم و به دفاع از حقوق دانشجویان می‌پردازیم.

آرمان: در مورد وضعیت دانشجویان خارجی می‌توانید توضیح دهید؟

پیر بریانی: دانشجویان خارجی بدون هیچ گونه امتیازی در فرآیند تحصیل می‌کنند، نه مسکن و همیشه مناسب و راحتی‌شان است و نه با آنان در دانشگاه برخورد درسی می‌شود. امروزه با بالا رفتن روحیه نژاد پرستی در فرانسه، راست‌سعی می‌کند عوامل غیر واقعی را برای پوشاندن علل اصلی بحران کنونی مطرح سازد. یکی از پررنگ‌ترین این توجیهات مطرح کردن علل بیماری و نبود امکانات دانشجویی بخاطر وجود خارجی آن است. در نتیجه در تمام نهی دانشجویان خارجی اشکال تراشی و سنگ اندازی می‌کنند و با وضع مانع و مفرات مختلف اداری، اسناد و از هر گونه امکان رفاهی را برای آنان تقریباً غیر ممکن می‌سازند. ما مخالف منع تحصیل دانشجویان خارجی هستیم، زیرا آشوب‌های آرای سنت پذیرایی از دانشجویان خارجی است.

آرمان: همبستگی جهانی با دانشجویان و جنبشهای مترقی در سطح جهان، در چه چیزها رچوبی انجام می‌گیرد؟

پیر بریانی: مادر طول تاریخ مبارزاتی خود علیه ستم مبارزه کردیم، علیه جنگ و ستاره‌چنگ الجزایر، علیه موازین نژاد پرستانه در هر جا و برای استقرار صلح و قطع مسابقه تسلیحاتی کوشیدیم. امروز تنها هزار میلیار دلار در سال خرج مسابقه تسلیحاتی است، ما نمی‌توانیم در مقابل چنین فاجعه‌ای منفعل باشیم. ما سیاست سد امپریالیستی داریم، زیرا امپریالیسم مسئول تمام این معضلات می‌باشد. ما با آنها رتاید در آفریقای جنوبی مبارزه می‌کنیم و با مبارزات در شیلی، نیگاراگوئه، کلمبوس، ایران و در هر جایی که دانشجویان و جوانان در زنداسها هستند، همبستگی‌شان می‌دهیم.

آرمان: در پایان از توجه شما و توضیحاتتان مجدداً تشکر می‌کنم.

پیر بریانی: می‌خواهم در خاتمه به نام اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه پشتیبانی خود را از مبارزه جوانان و دانشجویان در ایران در راه دستیابی به عدالت اجتماعی و دگرگونی اعلام دارم و بکار دیگر جنگ خونین ایران و عراق را محکوم و براد جوانان ایران و سازمان جوانان و دانشجویان و مددات ایران آرزوی موفقیت کنم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی دانشجویان جهان!

بهداشت و درمان در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی

از این حمام‌ها اسفند می‌سند ۲/۵ برابر شد ماست.
پس از جنگ جهانی دوم و استقرار نظام
سوسیالیستی در چکسلواکی، تعمیم شبکه بهداشت
و درمان موجب شده است که سن متوسط برای
مردان ۱۲ سال و برای زنان ۱۱ سال افزایش یابد.
مرک و ویردر میان سوزان کند رسال ۱۹۲۷،
۱۱۷/۴ در ۱۰۰۰ بود، اکنون به میزان چشمگیری
ناحریا موبه ۱۵/۱ رسید ماست.

صحیح علمی پزشکی چکسلواکی مورد تأسیسند
منحصصین پزشکی جهان است.
در سیاهری از پیچیدترین رشتههای پزشکی مانند
پیوند اعصاب بدن و قلب مصنوعی، چکسلواکی د رزمره
پیشگامان بهشمار می‌آید.

چگونه نگویند ...

بقه: از صفحه ۲۶
کیف جادوی است که وقتی در برابر مشکلات قرار
می‌گیری، کافی است در آن را باز کنی تا راه حل
را بیایی. برای انقلابیون و خلق ویتنام، مارکسیسم
لنینیسم نه تنها به مثابه کیف جادو و وبه منسزله
راهناست بلکه مانند یک حورشید حقیقی است که
جادو بهرزی نهایی را تا سوسیالیسم کمونیسم
روشن می‌کند.

هوشی مین تا آخرین لحظه صر خورشید و شا
د و ش خلق ویتنام، در میان آنان و با آنان بسیاری
رسیدن به بهرزی نهایی رزمند. و مبارزه رهایخش
زخمکشان هند و چین را رهبری کرد و سازمان
داد. زمانی قلبی از حرکت باز ماند که مردم ویتنام
در نبرد نهایی "دین بین هو" بر امپریالیسم
فرانسه چیره شده بودند و "هو" قلب هم
زخمکشان ویتنام را تصرف کرده بود. چند سالی
طول نکشید که "خورشید حقیقی، مارکسیسم
لنینیسم" بالهای "روشنگر" خود را بر سر او
سوزمین ویتنام گستراند. در آن هنگام دیگر انگلی
ها هم به زانو در آمده بودند.

مردم چکسلواکی از حق اسفاد باز بهداشت و درمان
رایگان برخوردارند. این خوا از طریق شبکه وسیع
بهداشت و درمان در سراسر کشور اعمال می‌شود. نظام
سوسیالیستی کشور ایجاب می‌کند که این شبکه از نظر
علمی و کیفی هر روز بهتری و بیشتر ارگند شتگسترش یابد.

تعداد پزشکان چکسلواکی از ۱۱۶۰۰۰ مرد رسال
۱۹۲۷ به ۲۲۰۰۰ مرد رسال ۱۹۶۷ افزایش یافته و
امروز بالغ بر ۵۴۰۰۰ مراحت. در سال ۱۹۲۷ در این
کشور بطراز هر ۱۲۲۶ نفر یک پزشک وجود داشت. امروز
بطراز هر ۱۷۵ نفر یک پزشک وجود دارد. این رقم حتی
برای برخی از پیشرفتهترین کشورهای سرمایه‌داری نیز
دستیافتنی است. تعداد دانشان بختر پزشکی در
چکسلواکی رسال ۱۹۵۳ تا ۱۵۰۰۰ نفر رسید. ۲/۵ برابر
افزایش یافته است. در چکسلواکی بطراز هر ۱۰۰۰ نفر
۱۲/۵ بیمارستان وجود دارد. پیش از جنگ جهانی
دوم تعداد بیمارستانهای کشور کمتر از نصف امروز بود.
سهیم بهداشت و درمان از بودجه کشور هم رسال افزایش
می‌یابد. این بودجه در هر ۲۵ سال گذشته ۵ برابر
شده است.

صرفیت حمامهای درمانی کشور از ۱۷۰۰۰ در رسال
۱۹۲۷ به ۲۵۰۰۰ رسید ماست. تعداد افرادی که

وضعیت اسفبار دانشجویان ...

بقیه از صفحه ۱۰

حارجی دور و پیاسر برای هرواحد درسی بطور
موسسه ۱۴۰۰ دلایر دانشجویان دوره موو لیسانس
برای هرواحد بصورموسسه ۱۴۰۰ دلایر باید پرداخت
کنند. البته از همه بدتر است که این دانشجویان
معایق هوائین اداره مهاجرت آمریکا حاضرند
بطور تمام وقت به مدرسه بروند. با توجه به
اینکه حداقل واحد درسی بیست و یک
دانشجوی تمام وقت دوره لیسانس ۱۲ واحد
و برای دانشجویان دوره فوق لیسانس ۶ واحد است.
منوجهی شود که بایستی در هر ترم به تریب میلی
معادل ۱۶۸۰ دلار و ۱۶۰۰ دلار ریزداری، هم
پرداخت این مبالغه بزرگ انتریت تریب به حساب
دانشجویانی نماید خود هزینه زندگی و تحصیل خود
را همین کنند بسیار کم کردن و نا غیر ممکن است.
ترب پرچاقاسی دانشجویان حارجی و محلی صبه
بندی می شود؟

ج- دانشجویان حارجی بعد و گروه مقیم می شوند
گروه اول آنهایی که برای دائم اقامت در آمریکا را
دارند که در اقلیت هستند و گروه دیگر دانشجویان که
با ویزای موقت دانشجویی در این کشور زندگی میکنند
این دانشجویان اکثریت معلق را تشکیل می دهند.
دانشجویان با ویزای دائمی "ثارت سبز" همراه
با دانشجویان شهروند آمریکا از رژیمه فوق و مزایای
مالی دانشگاه بهره مند می گردند. اما دانشجویانی
که با ویزای موقت دانشجویی زندگی می کنند عملاً
هیچ حقی به حقوق حرج کردن ندارند. دانشگاه
ها مگر موارد بسیار نادری که توسط هیئت عالی برای
راحت کردن زندگی و کمک در رسیدن به مشکلات

مالی برای دانشجویان حارجی فراهم می کنند.
معارض حدامانی همه از طریق دفا تر امور دانشجویان
حارجی در دانشگاه برای این دانشجویان وجود
دارد با راز جیب رود آنها و یاد ریاضت شهریه های
سنگین از آنها تا این می شود.
ج- دانشجویانی که از نشان قطع می شود پس
نی تواند شهریه نشان را بپردازند چگونه به تحصیل
حود ادامه می دهند؟

ج- در قبال مشکلات مالی دانشجویانی که مشغول
تحصیل در دور و پیاسر هستند، کالجها و دانشگاه -
های آمریکا هیچگونه مسئولیتی بعهده نمی گیرند.
اساساً دانشجویانی که با ویزای دانشجویی در آمریکا
زندگی می کنند، معایق مقررات دانشگاهها هیچگونه
حمی برای استفاده از امکانات کمک تحصیلی از قبیل
وام و کمک بلاعمر ندارند. هر ترم بصورت معمول ۲۵۰
برای تریب دانشجویی معینا شهروند آمریکا شهریه
پرداخت می کند. پرداخت شهریه بصورت فصلی
عدم برای دانشجویان حارجی علی القاعده مجاز
نیست. مگر موارد استثنائی که دانشگاه قبول کرده
است. دانشجویان شهریه خود را بصورت فصلی بپردازند و یا
اینکه مدت معینی بیا و بمانند بدهند. البته این به علت
حد اکثر با پایان ترم است و آن زمان دانشجویان
می بایستی بدهی خود را خالصاً به دانشگاه بپردازند.
و از اتمام ترمی وی در ترم بعدی جلوگیری خواهد شد.
بد. نتیجه اینکه این دسته از دانشجویان بناچار
یا سرك تحصیل می کنند یا با پان دایان به نماندن از
قبیل کار سونی، آشپزی، راستدگی، ماسی، کسارد
پیم پیژین و غیره امرار معتر کرده و شهریه خود را
بیزینس ریج تهیه می کنند. البته باید دقت کنید که
دوره "ماساله" اخذ لیسانس این دانشجویان گاه
به ۱۶ و ۱۷ سال طول خواهد کشید.

اماد مورد دانشجويان پايمعای موو ليمانسو و ياد دلروصع کي بهنراست. اين دانشجويان مطابق فواين ومقررات دانشگاههاي نواسد همچون بيک دانشجوي مصفواشده پروند آمريتا از بعضي مابيح دک تحصيلى بعد دانشجويان اسفاده نسد . باين ترتيب هدا دانشجويک ياد ولاسد در همان دانشگاه تدريس مي کسد و دانشگاه هم وارد رما بيل از پرداخت بخشي از شهره و اخامي آن معاف درد مسااانه از ۷ تا ۷ هزار د ربراي مامين مسکن ، حوراک و پوشاک به او پرداخت مي کسد . البته در اينجا بايد اصافه نديم که پرازا اسباب رنگان به رياست جمهوري آمريتا و روى دارآمدن دولت وي بود چه بسياري از دانشگاهها دمجاندا از طرف دولتهاي اياالتي و فدرال ماميسن مي شسد ، قصع نرديد . نتيجه اين شد که بود چه تحصيلى بريا دانشجويان فوق ليسانس و دلسرا نيز ياد اهنر کيفي يافت و بالا قصع شد و اين امثان از بسياري از دانشجويان و از جمله دانشجويان خارجي دوره هاي بالا گرفته شد . به اين ترتيب اين دسته اردانشجويان بيزه وصعيت دانشجويان د سنسه اول يعني دانشجويان دوره ليسانس گرفتار شسد .

س - در مورد بر محور سفا رت ياد دانشجويان ايراسي مدنقري توضيح دهيد ؟

ج - جمهوري اسلامي درواشنگتن که هنوز سفا رت ندارد . اماد هنري هست بيا م " در فخر حفاظت منافع " جمهوري اسلامي که در سفا رت انجزا بر مراد دارد . اين دفتر ظاهرا و غيبه " رسيدگي و رتق و رتق امور و بريا يي نائيديه " مدارک تحصيلى دانشجويان و امور مشابه رابعهد . دارد اماد رواع داران پرونده سازي عليه دانشجويان ايراسي است . انور هدي است که در " فخر حفاظت منافع " جمهوري اسلامي يک هيئت اصيبي تشکيل شده که کارش رسيدگي به

پروند ههاي اصيبي دانشجويان و اباع ايراسي است . مدارک اين پروند هها هم عا رسد از : نامه ها و گزارشات جيره خواران و خير چيجه هاي انجمن ههاي اسلامي ريب و کسبه هاي نهدست مي آورند ، زماني که دانشجو پاسپورت خود را بريا تمديد و يا تجديد بعد فتر حفاظت جمهوري اسلامي مي فرستد ، ابتدا آقا يان پروند ه اول و کچک مي کسد و چنانکه نامه ها و گزارشهاي عليه اين شخص در پروند ه او بود ، تفصيلات و فئا رهاي خود را آغاز مي کنند . اول مدني دانشجو راسري مي داوند و مر ب مي گويد که فلان وي همان چيز پروند ه " شفا قراست " پرازد مدني هدا دانشجو حسنه مي شود و ياد فرمود بورماسر تلفي مي گيرد در صورتيکه حاضر جمع شسد نده با فرد مورد نظر محسود صحبت مي کنند ، مي گويد که بايد " يا آقاي تزا يي " صحبت کني ، سپس " آقاي تزا يي " گوشي را برمي داود وي مي گويد : در پروند ه " شفا مد اري هست کفنشان د هند " فعاليت عليه جمهوري اسلامي است . البته آقاي تزا يي مل همه " عوامل رزم ههاي حدود نامه بر س مظاهري سازي مذکور مي شود که " در جمهوري اسلامي البته عهد ه آزاد است . " اما فعاليت عليه ج . ا . پذيرفته نيست . وي سپر مي حواهد کسه دانشجونعهد نامهاي بيوسد با اين مضمون کسه فعاليت خود ، عليه جمهوري اسلامي را منقصف خواهد کرد . اين تازه نعام قضيه نيست . آقاي تزا يي از دانشجومي حواهد که در فترايراني ديگر راپيد اشد ناهاي نعهد نامه را امضا کند . و نيز چند صعدا و ل پاسپورت خود را در اختيار دانشجويان قرار دهند تا همراه يا نعهد نامه خود به دفتر حفاظت منافع جمهوري اسلامي برسند . يحيى به ايسن سرتيب علاوه بر اينکه پروند ه سازي دانشجويان تفصيل مي کنند ، در پروند ه " ديگر هم بريا آيه ه مهيسا

می‌شد تا صورت به حساب آنها برسد.

مرتب آیا شفا امامتی جهت افدای این تشییحات
 دفتر حفاظت ماسع جمهوری اسلامی انجام داد فاید ؟
 چه در جواب این سئوال شما باید بگویم که امکانات
 ما در این زمینه، بخصوص معدود است. تصوری که
 کالبه این راجع به دیگر سازمانهای مترقی و صد
 امپریالیست میهن ما که در آمریکا فعالیت دارند نیز
 صادق است. آنچه که ما با بحال انجام داد ما هم
 در روابط در راستای افشا همه جانبه رژیم رگلیست
 آن بود است. اشغال کار ما هم عبارت بود ماند از :
 پخش اعلامیه و خبرنامه‌های امثالرانه، تماس با
 شخصیت‌ها و سازمانهای مترقی و جمع‌آوری افشا
 جهت ارسال به سازمان ملل به منظور مژوی کردن
 هر چه بیشتر رژیم و افشا جایتهای آن، افسراد
 سخنرانی‌های روشنگرانه و برگزاری آکسیون‌های
 دفاعی از قبیل تظاهرات در شهرهای مختلف آمریکا
 اما آنچه مسلم است دشمن دارای امکانات زیادی
 است. در واقع امکانات سفارت شاه معسود بود
 واشنگتن انون باضمین در احیا آفایان جهرم
 حواریهم جمهوری اسلامی است. و آنها هم دست
 مانند سفارت شاه از این امکانات خود در جهت وارد
 کردن فشار روی دانشجویان اسعاده می‌کنند.
 سازمان ما با بحال از تمامی امکانات خود در جهت
 افشا هر چه بیشتر رژیم اسعاده کرده و حواهد کرد.
 اما فعالیت یک سازمان برای انجام این مهم دفاعی
 نیست. سهاد صورت اتحاد عمل طبقه سازمانهای
 مترقی و ضد امپریالیست است که ما ما در حوا هم شد
 فعالیت خود را با یک کارایی بالا علیه رژیم جمهوری
 اسلامی و جناحهای آن گسترش دهیم و شاید حسی
 در زمینه‌های لازم در حفاظت منا فریم " را و ا دار
 به عب تشیی میهن. به هر حال ما افشا رژیم جمهوری

اسلامی را یک وسیعه مشحور تاریخی برای اسعود
 می‌دانیم برای انجام آن هم از تمامی امکانات اسعاده
 حوا هم کرد. البته امید و راه همسیمیمه در آینده
 بتوانیم در اسعاد عمل با سایر نیروهای مترقی و صد -
 امپریالیست دشورمان فعالیت خود را هر چه بیشتر
 در جهت افشا رژیم جمهوری اسلامی گسترش دهیم.
 به مناسبت روز ...
 بقیه از صفحه ۳۱

تمام و کمال سر نشیبت کودکان ایرانیست و
 نمی‌تواند باشد. تصویر واقعیت زندگی کود کدر
 جامعه گشتی نیست. دیدنی است اما همین مختصر
 با اشاره به گوشه‌هایی از زندگی آنان ژرفسای
 مسئولیت و تعهد انسانی زنان و مادران را نشان
 می‌دهد. زنان و مادران ایرانی می‌توانند و باید
 در کنار مبارزه برای حقوق انسانی و صنفی، ضمن
 مبارزه برای خواست‌های مشخص مثل صلح، داشتن
 شیر خوارگاه و کود کستان، مدرسه، دبیرستان،
 زایشگاه و مهد کود ک و دیگر موسسات نگهداری
 کودکان و نوزادان و غیره و غیره در مبارزه همگانی
 مردم ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که
 همه آرزوهای انسانی و مردمی توده‌های با خواسته
 انقلاب میهن و آینده کودکان جامعه ما را به تنهایی
 کشانده است شرکت نمایند تا اهریمن جنگ و تیره
 بحتی و سه روزی که در وجود نظام جمهوری اسلامی
 تبلور عینی پیدا نموده است از جامعه ما رخت بر
 بندد و آینده کودکان ما در نظامی مردمی با چهره
 انسانی و عدالت جو تأمین گردد.

نو استعمار در ...
 بقیه از صفحه ۳۲

با ورشین سالهای زندگی خود را در زندان و تبعید
 بسربردند. هم امروز یک میلیار د انسان در کشور
 های رشد یافته از عوا فرسو تغذیه رنج می‌برند
 و از میان آنان ۵۰۰ میلیون نفر گرسنه هستند،
 میلیار د ها انسان نیز زندگی کونا خود را در فقر و
 بیسواد ی و بیچارگی و بی خانمانی گذراندند و
 سلعه امپریالیستوارشکی نو استعماری است
 سپری می‌کنند.

اعتیاد، سرقت

وجنایت

— در هر ۲/۴ ثانیه يك جرم مهم در ایالات متحده آمریکا روی می دهد . این جرمها شامل دستبرد مسلحانه با تجاوز جنسی و ۱۰۰۰ است . ۴۳۳ ۵۰ درصد عاملین این جنایتها نوجوانان هستند .
— طبق نوشته نشریه آمریکایی "موس نیوز اند ورد رورت" افزایش بیگاری به میزان يك درصد موجب افزایش تعداد محاکمات جنایی با حکم زندان به میزان ۵۰/۷ درصد و خودکشی به میزان ۸۱ درصد می گردد . موارد دیگر بیگاری الکلیسم و اعتیاد به مواد مخدر است .

— گزارش انستیتی آموزشی ملی آمریکا در سال ۱۹۷۸ حاکی بر این بود که ، هر ماه نزدیک بیست ۲/۵ میلیون جوان قربانی دزدی و بیشتر از ۲۵۰۰۰۰ نفر در مدارس مورد تهاجم فیزیکی قرار می گیرند . دولت آمریکا وضعیت سالهای هشتاد را وخیمتر ارزیابی کرده است .

— در ایالات متحده آمریکا ، هر ساعت يك بار ، يك نفر قربانی هروئین می شود . سن متوسط معتادین بین ۱۸ تا ۲۵ سال است .

در نیویورک از والدینی که مواد مخدر استعمال می کنند هر ساله حدود ۳۰۰۰ کودک متولد می شوند که موارد اعتیاد پدر یا مادر رویا هر دو را دارند .

— به قول کمسیون "سلامت اخلاقی ملت" ریاست جمهوری ایالات متحده ، نزدیک به ۳۲ میلیون آمریکایی و بجزه جوانان ، احتیاج به روان درمانی دارند .

— از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳ مصرف هروئین در فرانسه افزایشی بالغ بر ۱/۴ برابر نشان می دهد اعتیاد خصوصا در میان نوجوانان گسترش می یابد .

— از سال ۱۹۵۵ تا کنون میزان خودکشی نوجوانان در ایالات متحده آمریکا سه برابر شده است . همه ساله ۶۰۰ نوجوان در جمهوری فدرال آلمان به خودکشی دست می زنند و هزاران نفر

دیگر از منزل فرار می کنند .

— هر ساله هزار جوان کمتر از ۲۵ سال در فرانسه خودکشی می کنند . این رقم نسبت به سی سال پیش دو برابر شده است .

— در لندن يك چهارم بزهکاران ثبت شده در سال ۱۹۸۲ هنوز ۱۶ ساله نشده بودند و يك چهارم دیگر نیز کمتر از ۲۱ سال داشتند .

ورزش در ...

بقیه از صفحه ۴۶

طبعی موف روغننی کما . ند بعد رستی در می یابند گسه نمونه های آمد شد هفتاد مثنی نمونه خوراکی است چنین فبایحی در امور ورزشی جدا از دیگر جایگزین همه .
مرصه های زندگی و کار و تحصیل جوانان میهنان نیست .
نظامی کردن برنامه های ورزشی مدارس و همسه .
قد راسیون های ورزشی ، کاهش دادن بودجه های ورزشی ، فقدان برنامه ریزی مردمی ، ارتشها و وساد در سازماندهای مربوطه مظلوم هاست و غیر انسانی علیه دختران و زنان در این عرصه های نیکایک نمودار رسیدگی و مساد نظامی است که با جامع متحول ، هماهنگی ندارد .
و به همین علت است که در همطین عرصه ها باعث تا رضایحی و خشم جوانان میهنان شده است . جوانان ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنند تا بتوانند جامعه منحصن ، آزاد و آبادی بسازند که همه .
شرایط امکانهای لازم برای رشد و پرورش استعدادها در همه زمینه ها فراهم شود . جوانان میهنان برای رسیدن به این هدف سرنگونی رژیم ویرانه های جمهوری دموکراتیک وطنی را در پیش رو دارند . این راه دشوار و پر سنگلاخی است اما جوانان ایران توانایی طی کردن این راه را دارند . بهیچیز از آن حلقه های زحمتکشان و رهروان پایدار آن است .

پیادها ...

بقیه از صفحه ۱۲

دادگاه استواری، قاضیت، صداقت و بی‌گسری
تمام یدفاع از حزب خود برخاست و "عشق مدس و
عظیمی را که در اعناق وجودش رخنموده" بود بایاری
از یک زیاعی خواجعه عبدالعاصری به‌ماتیر گذاشت:
عشق آمد و شد چو خونپاند رنگ و پوست
تا کرد مرا ز خود تهی، پراز دست
اجزا و وجود همگی دوست گرفت
نامی است از من باقی و باقی هم‌ماوست

مبارزه رفیق پرهیزد ز زندان ادامه میدهد،
چا و تر انقلابی حزب شمشیری نبود که در غلاف به‌مانند
وزنگ بزند، با همزمان نر نصاب زندان به‌بازره
علیه هم‌پرداخت بل زندان را به‌مرصه می‌بسیارزه
اید ثلوث وید رسا آموزشی جوانانی نید بل ساحت
هد را طرافش بودند.

سیر انجام چون تبعید بنقاط بد آب و هوا و انتقال به
زندانیهای برازجان، برورد شیراز و انواع نصیحتات
نتوانست در "رام‌کردن" کار ساز باشد، پراز سال
زندان رشته پریا زندگی او را در کهنه‌شترک بسا
شکنجه‌های حیوانی گسیختند. رفیق پرهیز همیشه
میگفت "تا وقتی در جهان پند نمی‌داند کوشش من
فکرند، من نخواهم مرد" او بر آن بود که: "یک انقلابی
صدائی است که از حلقه‌ها ریخ بیرون می‌آید و حتی در
تنهایی اش ارتشهای مایه‌ونی را در قلبش می‌زاید.
رفیق پرهیز خود اثبات این مدعا بود.

با نخل فستی از خاطرات مبارزه‌شید بیژن جزئی
مربوط به آخرین روزهای زندگی رفیق پرهیز حکمت جو
است، یاد وی را گرامی می‌داریم:
باز جومرا پشتر حکمت جو برد. مثل درخت تناوری

ایستاد بود - باز جو گفت:

آقای جزئی کمی این دوستان را نصیحت کنید بگویند
جواب سؤال‌هایی را همان‌جا از او می‌پرسد، بنویسد.
من گفتم حکمت جو صد تا مثل مراد بر می‌دهد او بیه
نصیحت من نیاز ندارد

رفیق جزئی بعد هانغل کرد: این مرد در وسط
شکنجه‌ها تا نگر می‌خواست به‌آسمان چندک بیندازد.
بقیه در صفحه ۱۷

کمون ...

بقیه از صفحه ۴۹

کم بود و تنها وحدت اراد و موصل در قالب سازمانی
پیدا چه و متحد کم‌قبول لنین "فان ریضا مین استری"،
پایداری و ادامه‌داری در مبارزه سیاسی باشد "وجود
نداشت. لذا اولین درس تجربه" نمون آن است که
پرولتا را بدون حزب سیاسی پشاهنگ و مجبزه‌منشوری
علمی نمی‌تواند عهد و مدار رهبری طبقه را برکرد و بیه
پیروزی نهایی دست یابد.

۲- پرولتا ریای پایس موفق به جلب و شنیبای فعال
د هقان نشد بگفتنن "انقلاب بود پای دعوا معا
ادشیت را به‌میشرد و آورد فقط آنگاه می‌توانست چنین
باشد دعوم پرولتا را و هم هقان را در برگیرد. اما
در نمون چنین انعامی سفاد همان‌طور که هم‌می‌دانند
نمون پایس بسوی چنین اتحادی گام برداشت، ولی
در ارتکب سلسله عوامل داخلی و خارجی به‌هدف
خود نرسید. برای اسامر لنین نتیجه گرفت که
اولا دیکتاتوری پرولتا را چیزی جز اتحاد طبقه" کارگر
و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگریست.

ثانیا این اتحاد شرط ضروری انقلاب
سوسیالیستی و اولاً هرا انقلاب خداستعماری و

د مکرانیک است.

ورزش در ...

بقیه از صفحه ۹۵

میلند به نحوی زوتو این رشته را بطور عاقلانه پیشه
 کند . با این همه یک نفر نیز فد راسیون دشتی بود چه
 آن طی دو سال به پیشچهارم ده هشت یا هشتادست . وی
 احیاء راک مهاجرت عصبی ماتی گفت : در بدنی کسبه
 مسئولیت فد راسیون دشتی را پذیرفتام ۱/۵ میلیون
 تومان بود جعد اشتغایم . و این در حالی است که
 بود جعد راسیون در سال ۶۲ .۰۰۰۰۰۰۰ پنج میلیون و
 ۹۰۰ هزار تومان بود ماست . (کیهان ۱۹ آبان ۶۴)
 رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بودجه ورزش را بیکی
 چهارم ده هشتاد هشتاد هاست بلکه عواید و درآمد هنای
 حاصل از مسابقات ورزشی را نیز بجای آن که صرف کسرتش
 تاسیسات ورزشی کند ، به جیبها ارسال می دارد .
 روزنامه کیهان با زور مسئولین سازمان تربیت بدنی
 نوشت :

" در این جلسه (جلسه سادامور جنگ سازمان
 تربیت بدنی) ، برگزار می ساخت ورزشی و اختصاصی
 عواید حاصله از مورتولید این مسابقات به جیبها ،
 جذب کلهها و اعزام ورزشکاران و کارکنان تربیت بدنی و
 اراشد مات آموزشی فد راسیون ها به رزمندگان اسلام
 مورد بحث و بررسی قرار گرفت . " (آذ ۶۴) .
 ریم جدمردمی " ولایت عقیه " نه تنها بودجه کافی
 برای کسرت ورزشی ریزنامه ریزی مورتولید کند و آن را
 جدیدین بارکا هشتاد هشتاد هاست مسابقات ورزشی را برای
 داغنگهداشتن خور این جنگ لعنی به جیبها فرستد .
 بلکمسیارای زانسیاست ورزشی به جا مانده از رژیم
 ستم شاهی را - اگر تاکنون بهرمان نشد هباشند - در
 احتیاراتهاد های سرکوبگرو " رزمندگان " راهی جیبها
 فرستاده . یعنی از ستاند رکارانامور ورزشی که

می کنند :

" ... گاهی در بعضی از ورزشگاهها احیاناً بازی
 کرده و بعضی از ورزشگاهها را از دست ورزشکاران
 گرفتند و بعضی ورزشگاهها را اشغال کردند و تبدیل به
 تشکیلات دیگری نمودند برود سراغ ورزشگاهها
 نقد ردست بیخ است ، دست سها فاست ، دست
 کیهان انقلاب است دست جهاد است و خود ورزشکاران
 بی آن نیازمندند " (رئیس کمیسیون ورزش مجلس
 - دنیای ورزش ۱۸ اسفند ۶۴) روزنامه کیهان پرده
 از اختصاصی شدن استخرهای شنا و اماکنهای مربوطه
 بگاین ورزش برمی دارد :

" فد راسیون شایسته راسخرها را جهت آموزش
 شنا به رزمندگان سپاه میسپد اختصاص داده و علاوه بر
 این آمادگی دارد سامری شنا برای سپاه و بسیج
 آموزش داد همیار رزمندگان اسلام را در آمونشن فن شنا
 در مسواجل رودخانه های می دهد . "

در اغلب شهرها حتی جدا اهل اماکنهای ورزشی
 بجز برای زمینشان نیز وجود ندارد . سرپرست
 تیم اسان سیستان و بلوچستان می گوید :

" ... در کل اسان ، زمین یا سالنی برای استفاده
 ورزشی کار وجود ندارد حتی اداره کل اسان به
 علت نداشتن بودجه ورزشی قادر به خرید یک جفت
 کسر یا پها رهن برای ورزشکاران در گرگینست و اداره کل
 ناراین اسان قادر تربیت بدنی است " (دنیای
 ورزش ۱۸ آبان ۶۴) .

برای تامین هزینه نگهداری تاسیسات ورزشی
 موجود چه باید کرد تا حرم بودجه ای جندی کماکان
 کسرت هبانی پماند ؟ در رژیم لایتفقیه " برای هسر
 مشکلی پند " را متخل شرعی " وجود ندارد . حکومت
 بنازی راهی برای تامین بودجه فد راسیون دشتی

د رمون، ۱۹۸۶، همپنین المللی ندارك فستیوال
جهانی جوانان و دانشجیان در هاوانا، از انتظار
موصول شوروی برای برگذاری در اوایل زمستان در
مسکو، در تابستان ۱۹۸۵، با شعار "برای همبستگی
صد امپریالیستی، صلح و دوستی" پیشنهاد کرد.
این تصمیم از حمایت گسترده جوانان سراسر جهان
برحودار گردید.

گرد هم آیی بین المللی جوانان، در سال جوانان
جهان و در چهل و نهمین سال پیروزی پرولتاریت آلمان و
میلیتاریسم را این درد و زمین جنگ جهانی، در مسکو
شده هرچند مترگردار شد. این فستیوال بزرگترین
رویداد سال جوانان جهان بود که بیشتر جوانان
صد امپریالیست را به همراه و به همراه آورده
صلح آمیز تمامی بشریت پیروسی تازه کنید. در این
لر هم آیی، جوانان کشورهای گوناگون فرصتهای
بسیاری بدست آوردند تا در باره زندگی زنان و مردان
جوان شوروی و روشنفکران آلمان در اجرای آموزشهای
لنیستی آگاهی یابند.

تا به حال به پیشرفت نازد. وظایف مبرهت کشور در
یک زمان، اکنون در کشورهای دیگر، در راههای
مختلف، در حال اجراست. میراث آید تلوونکی
لنیستی برای مین و نهان و مرد جوان در سراسر جهان
در ریاضان به خاطر صلح، د مراسی و پیشرفت
اجتماعی، به نهاره، راهنمایی میدل شده و می آسان
توان می بخشد تا آید را با خوش بینی بنگرند.^{۱۱}

۱۱ و کشور پیشین در پیرا اول کمیته مرکزی اتحادیه های
لنیستی جوانان کمونیست، مقدمه ای بر کتاب "لنیسم
در باره صلح جوان" - مسکو ۱۹۸۵ - ترجمه از انگلیسی
از شماره های آید. قصه ای از این کتاب خواهیم
داشت.

لنین و ...

بقره از صفحه ۱۹

فهریب بخورند و این "شهید" را باور کنند. "شهید
تمامی شوروی" چیزی جز افسانگیست و مانند همه
داستانهای د پیرشد شوروی بی پایه است.

خلق شوروی هیچ خلقی را با زور تهدید نکرد
و هرگز نوشید است تمام جامعه را با د تلوونکی خود
را سمبل کند. این را تاریخ تأیید می کند. ناسی
است به محض آوری و مفاولین اقدام سیاست خارجی
نمکنین دولت جهانی نارگران و دهقانان فرمان
صلح لنینی بود که جنگ را به نام بزرگترین خیانت به
بشریت می دانست.

احقاد شوروی، بعنوان یک قدرت بزرگ سوسیال-
لیستی به مسئولیت خود در برابر خلقها برای حفظ و
تحمیل صلح ۵۰ است. احقاد شوروی بر آن است تا
با همه دولتهای سراسر جهان همکاری سودمند و
مسالمت آمیز داشته باشد و در مورد این همکاری مسائل
بین المللی مورد اختلاف از طریق گفتگوهای جدی،
برابر حقوق و سازند محل شود.

مسئول لنینی، بطور کلی توده جوانان شوروی
عمیقاً به نام برندگان سراسر جهان در راه صلح و
پیشرفت اجتماعی بود. احساسات انترناسیونال
تالیسم پرولتری، جوانان شوروی را با سایر جوانان در
کشورهای سوسیالیستی برادر، کشورهای جوان
مسئول و جوانان ترقیخواه کشورهای سرمایه داری متحد
می سازد. چنین فستیوال جوانان در تقویت
پیوند های صلح آمیز میان جوانان سراسر جهان
می شود و آنها را فرامی خواند در راه صلح، رفع شهید
اسمی، در راه صلح سلاح، استقلال ملی و پیشرفت
اجتماعی مبارزه کنند.

فواستعمار در

بقیه از صفحه ۲۲

نواستعماری در این عرصاست.

مؤثر سلاح های مدرن و متنوع در مقیاس گسترده ایجاد ناسیسات نظامی و کسپل نارسانان نظامی به کشورهای رشد یافته، مقتدایی از مهمترین اهرم های بهرکنشی امپریالیستی است؛ بلکه یک یکنی از محورهای اصلی کنترل نواستعماری این کشورها تبدیل شده است. ایالات متحده آمریکا بزرگترین صادر کننده سلاح به کشورهای ازبند رسه است.

هزینه های نظامی این کشورها شدت رویه افزایش است. امپریالیست ها همواره سلاح های صادراتی، و در جریان ساختمان فرودگاه ها، پایگاه ها و ناسیسات نظامی، تنهایی از مستشاران نظامی را با این کشورها کسپل می کنند. این مردوران "یحصید" در واقع به تنهایی یک نهاد نواستعماری محسوب می شوند. فرماندهان نظامی نیز در کشورهای خریدار سلاح های امپریالیستی، محمود در موسسات نظامی امپریالیستی تربیت می شوند. امپریالیست ها، از طریق مواضعی که مستشاران نظامی در اختیار می گیرند و از طریق پیوند هایی که با رده های بالای فرماندهان نظامی برقرار می کنند، بزودی کنترل ماشین نظامی کشورهای نوره را در اختیار می گیرند و از آن برای سرکوب جنبش رهایی بخش در آن کشورود رمنعه، و نشان دادن این کشورها به درون پیمان های نظامی تجاوزگرانه استفاده می کنند. در اهمیت این شیوه سلطه نواستعماری کاهیت یادآوری شود که ارتش تحت سلطه امپریالیسم، یکنی از پایگاه های اصلی و بیرومندترین ابزار حالت امپریالیسم در حیات سیاسی کشورهای

رشد یافته است. ایالات متحده بخنک این اهرم با نئون شهتاد آرمان های لاتین و آمریکای مرکسیزی صدها کودتای ارتجاعی را سازمان داد است. صورت ما، پیش از انقلاب در این زمینه نیز شاهد نمونه های بود. ایران در آن زمان و در بین خریدار اسلحه در میان کشورهای رشد یافته بود. تنها در ۲۰ ساله آخر پیش از انقلاب ۲۷ میلیارد دلار اسلحه از امپریالیست ها خریداری شد. در نتیجه انقلاب پیش از ۵۰ هزار مرد در آن پنهان شد. امپریالیسم بنا به مستشار نظامی میزبانی واقعی از سر ایران را در دست داشتند. در سالهای اخیر با وسوسازی و باسکی سلیحی ایران به امپریالیسم زمینه اعمال نفوذ امپریالیسم در کشورها از این طریق نیز بار سازی شده است. نظامیان دریت پرورد، امپریالیسم، در فرماندهی نیروهای مسلح سازمان های اصلاحی ایران همچنان با پایگاه های فخری ارتجاعی حوسر ادامه می دهند.

در مقام معایسه، حجم کمیت جنایاتی که نواستعمارگران برای حفظ و تحکیم سلطه غیر مستقیم بر کشورهای رشد یافته و شصین بهرکنشی غارتگرانه از این کشورها انجام داده اند، کم تر از در نواستعماری است. با وجود این ابعاد این جنایتکاری سازمان یافته نا بحدی است که دوره نواستعماری را نیز به یکس از تاریک ترین ادوار تاریخ بشری تبدیل کرده است. طی سال های پس از جنگ جهانی دوم پیش از ۲۰ میلیون انسان در جنگ های منقطع و کاه امپریالیسم برآموسعاست شکنند ماند. میلیون ها تن از بهترین فرزندان خلق های کشورهای رشد یافته، با رهبری امپریالیسم و بدست ارتجاع نشاند و امپریالیسم از بین رفتند و میلیون تن از انسان

گمون ...

بقیه از صفحه ۲۹
 جامع‌فرانسوی‌بین معنی حکومتی فرانسوی یا ملی بود اما در راه گمون ود ترکیب آن انقلابیون بسیاری از کشورهای دیگر از جمله بلژیک، مجارستان، ایتالیا، روسیه و غیره "افتخار مرگ برای یک آرمان بی مرگ" را پذیرا شدند. هم‌اکنون روایت که گمون پرچم سرخ را بعنوان "پرچم جمهوری جهانی" انتخاب کردند و مارکس در رابطه با همین جنبه "بین‌المللی گمون بود کمونست" گمون در برابر ارتش پروس آمد و ایالت فرانسه را با فرمان ملحق ساختن خود، دارلرژان سراسر جهان را به فرانسه ملحق ساخت."

سزای انجام گمون

اولین نبرد ها با نیروهای حکومت نپیرگند آرژان حمایت دولت پروس را جلب کرد موی آن بر سر سرکوب گمون به سازش رسید مود در اواخر ماه مار آغاز شد. بیستارک صدراعظم پروس ۶۰/۰۰۰ هفان اسپر جنگی فرانسوی را برای تکمیل ارتش نیرو حمله به گمون آزاد کرد. نپیریا ارتش ۱۲۰/۰۰۰ نفری به پایتخت انقلابی حمله کرد درها بلجا این هجوم کردن های "گرمای" نیز بهورسای حمله قابل نردند ولی بحالت آن تعدادک این حمله هم‌چنان نبود شکست خوردند و با تلفات سنگینی ناگزیر به عقب نشینی شدند. این شکست گمونها را اما "پوسر نجات" آنها به مقاومت پرداختند و در مواردی حتی به حملات متقابل دست زدند. اما در فاع غیرفعال فرماندهی نظامی گمون، عدم هماهنگی ارگاسهای نظامی آن، عدم فاعلیت آن درها بلجا صد انقلاب داخلی در شهر پایتخت و غیره موجب شکست نظامی را حین گمون نجات و سبب ورود ارتش سیررما رس شد.

با ورود ارتش صد انقلابی سیررما رس، به‌نام "مارکس" گمونها را "بمفرشاعلا" هجوم بردند و مقام پهنه "پا رس را از فاعومت خود انباشتند. یدنهفکه" تمام رهروی و بیژن، اسگریمسنگر، خانه بهانه به حواس فاعلی دست زدند و با آخرین صهرهای خون بد فاع از آرمانهای خود پرداحسه.

گمون سهوه کرد و بیوزواری با نعام نشی پرداخت و در رضای از گمون و سازش و حیانت، ماهیت خود را نشان داد و با نهم صد خلق سرچشمی گرفت، بهسه سایش گذاشت، سرخونین و همسانی بیش از ۲۰۰ هزار بودک، زن و مرد، کشار / ۲۵۰۰۰۰ اعزاز دارگرا ن پر از خلق سلاح. امروز بر آن، گسیل اجباری تعداد بیشمار به زندان، تبعید و سها جرتنا گیر، چنین است فقط گوشه‌ای از کارنامه سها و بیوزواری خاکن بهصنافع ملی.

درسهای گمون

تجزیه گمون و شکست آن مورد تحقیق و بررسی همه جانبه رسر وانگلس و بیژن فرارثرت آمورگس رو رعیه بیوزواری رسرین و خلقی سرن انقلاب تاریخ، در این بررسی شرایط ضروری و ذهسی لازمی را در انقلاب سوسیالیستی برای رسیدن به بیوزوی نیاز دارد کشف کرد. جمعیت این برر سها بود رسهائی که از آن گرفتند فاستود رعل بیوزواری و لنا را و زحمتکشان روسیه نیز فایات رسید فاست، بیوزواری و اصل پایتخت و فاع تصریح و ناگید شد فاست.

۱- پرولتاریای پایتخت فاستود تئوری علمی مبارزه و سازمان رسرند مذبذ بود. با اشاره به این واقعیت انگلس نیز در ۱۵ اوت ۱۸۷۰ نوشت: "بدتر از همه این است که اگر یک جنبش انقلابی واقعی در پایتخت رسر دهد، کس در آنجا نیست که رهبری را در دست گیرد." در آن زمان در جنبش دگرگی فرانسه فاعود مارکس سیم و لا بسیار بقیه در صفحه ۴۴

۱۸ خرداد ۶۵

— به گفته اگرمی وزیر آموزش و پرورش کلیه دانش آموزان دبیرستانها تحت پوشش آموزش نظامی قرار خواهند گرفت و ی همچنین اعلام کرد در سال گذشته ۲۰ هزار معلم از سراسر کشور در رجبیهها شرکت کرده اند .

۱۸ خرداد ۶۵

— اگرمی گفت در صورت نیاز کلیه دبیرستانهای کشور را می توانیم در رجبیههای جنگ شرکت دهیم تا نیروی ۵۰۰ گردان سپاه را تامین کنیم همچنین هنرستانها را موظف به تامین نیاز های جیبه در زمینه ساخت اسلحه کرد .

۱۸ خرداد ۶۵

— وزیر آموزش و پرورش به منظور کمک به وزارتخانه از هز دانش آموز ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال گرفته شود .

۲۰ خرداد ۶۵

— خمینی با گفتن "مردم راد فرهنگ شرکت دهید مدارس را که می خواهند درست کنند کارکنانی نکتید" بار دیگر بر خصوصی شدن مدارس تاکید کرد .

۲۱ خرداد ۶۵

— رهنجانی : از ماه گذشته جذب نیروهای نظام وظیفه راد ویرا بر کرد مایه و علاوه شو رایحالی دفاع تصویب کرد تعداد سرباز های که الان موجود هستند و خدمت می کنند دو ماه بر خرد متشان افزوده شود و در جیبه بمانند و بسیاری ها چون داوطلبانه

آمد عاند نمی توانیم حکم جباری بد هیم ، لذا از آنها می خواهیم که سعی کنند یک ماه بیشتر بمانند .

۱ تیر ۶۵

— کپورس در مصاحبه ای اعلام کرد بیا افزایش سهمیه خانواده ' شهدا ، اسرا ، معوقین و معلولین جنگ تقریبا همه افراد این گروه از شرکت کنندگان کنکور امتحان ورود به دانشگاهها و مدارس عالی راد ارتند و در ادامه سخنانش گفت : برای این گسروها از دانشجویان خوابگاهها و کلاسهای تفریحی خاصی در نظر گرفته شد است .

۵ تیر ۶۵

— فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی گفت تاکنون ۴۴۴۴۴ نفر از آموزش عالی رسیده است که در وزارت فرهنگ و آموزش عالی رسیده است که در دست بررسی می باشند .

۱۴ تیر ۶۵

— دنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد : به شریعت کنندگان در تکرده تا اول مرداد ماه به جیبه ها اعزام شوند امتیازهایی نعلو خواهند گرفت .

۲۱ تیر ۶۵

— در اطلاعیه اداره نظام وظیفه عمومی آمده است : سائیکاز تا ریه ۶۵/۴/۲۹ توسط مامورین سازمانهای نظامی و انتظامی دستگیر شوند و سه خدمت اعزام گردند ، ۶ ماه اشافه خدمت خواهند داشت و همچنین کسانی که خود راد بر معرفی کنند آماه جریمه می شوند .

برای سرنگونی جمهوری اسلامی ،

مبارزات خود را تشدید کنیم!

* عراق

هزاران دانشجو و استاد دانشگاه تعطیلات تابستانی خود را در جبهه‌های جنگ ایران عراق خواهند گذراند. تعداد دانشجویانی که باید به این "تعطیلات" بروند مشخص نشده، ولی وزیر آموزش عالی عراق، سامی عدل وهاب، در یک محاسبه گفته است که ۶ دانشگاه و ده‌ها انستیتو به واحد‌های مختلف ارتش وصل خواهند شد و به جبهه‌ها خدمت خواهند کرد.

* شیلی

اعتیایات و تظاهرات گسترده دانشجویان و استادان در شهرهای مختلف شیلی و بخصوص سانتیاگو برای اعتراض به وضعیت آموزش عالی، وکلای کردن دانشگاه‌های دولتی به شهر دریاها و غیر متمرکز کردن آنان و وجود خفقان و سرکوب شدید، در ماه‌های گذشته بطور مداوم وجود داشته است. به دنبال این اعتراضات ده‌ها نفر کشته و صدها نفر زخمی و یا دستگیر شده‌اند.

* افریقای جنوبی

هفتاد درصد دانش‌آموزان سیاه افریقای جنوبی در موقع شروع کار مدارس، به سرکلاسها نرفتند. حضور پلیس در مدارس و اجبار آنها برای به همراه داشتن مدارک شناسایی یا مخالفت اکثریت دانش‌آموزان روبرو شد. وزیر نژاد پرست "آموزش سیاهان"، محصلین را تهدید کرد که بر هم زدن نظم باعث قطع بودجه دولتی مدارس آنها خواهد شد.

* تونس

در ۲۱ آوریل به دنبال کشته شدن یک دانشجو به دست افراد پلیس، تظاهرات و اعتصابات متعددی در محوطه دانشگاه تونس انجام شد. صدها دانشجو دستگیر شدند، یک دهه از آنها آزاد و عدای دیگر بنا به اظهار مقامات دولتی به خاطر انجام "فعالیت‌های غیر قانونی" زندانی شدند.

* کره جنوبی

۵ آوریل ۸۶ به دنبال یک تظاهرات ضد دیکتاتور صدها دانشجوی آزاد بخواب به وسیله پلیس "چون" دستگیر شدند.

۱۷ آوریل ۸۶

بیش از هزاران نفر در پایتخت کره جنوبی طبعه دیکتاتور و به مناسبت سالگرد کشتار "کوانجو" دست به یک تظاهرات گسترده زدند. در مرکز شهر ۶۰۰۰ پلیس با گاز اشک‌آور و باتوم به استقبال تظاهرکنندگان رفتند. در این روز بنا به "گزارش" پلیس بیش از ۳۰۰ نفر دستگیر شدند.

۲۱ مه ۸۶

یک دانشجو ۲۳ ساله کره جنوبی در محوطه دانشگاه خود را به آتش کشید. در این روز بیش از ۵ هزار دانشجو برای اعتراض به سیاستهای ارتجاعی دیکتاتور گرد هم آمده بودند. در موقع سخنرانی یکی از رهبران این سیون حمله پلیس به دانشجویان آغاز شد. در این زمان بود که سرد مزبور در مقابل نیروهای پلیس و با فریاد "سرگ بر امیرالیم" خود را به آتش کشید.

پاسخ مسئله شطرنج شماره قبل آرمان

- ۱- رخ به خانه ۱۵ با تهدید در حرکت بعدی
- ۲- اسب به خانه ۱۷ از اسب
- ۱- ۰۰۰ پاد به خانه ۱۵ یا قیل به خانه ۱۵
- ۲- قیل به خانه ۱۶ یا ۱۵ x ۱۵
- و بعد
- ۲- رخ به خانه ۸۶ یا اسب به خانه ۱۱ یا
- اسب به خانه ۱۱ یا ۱۵ x ۱۵ و مات.
- سرت
- ۱- رخ به خانه ۱۶ به دلیل پاسخ
- ۱۱۱ * وزیر صحیح نیست.

خواهندگان عزیز، جوانان و دانشجویان ایرانی خیرهای مربوط به مبارزات و مشکلات جوانان و دانشجویان موطن را برای ما بفرستید- ارسال اخبار، مقالات، شعر، داستان، طرح، عکس، کاریکاتور، ترجمه و هر مطلب دیگر درباره جوانان و دانشجویان، کمک ارزنده‌ای در جهت بهبود کارماست. پیشنهادات، انتقادات و پرسش‌های خود را نیز برای ما بفرستید. در مکاتیب ما "آرمان" نام مستعار برای خود انتخاب کنید. ما در "آرمان" به اسامی مستعار پاسخ می‌دهیم.



طرح افشارزده شیرزاد نقاش جوان افغانی

جوانان! برای استقرار صلح پایدار
بر روی زمین مبارزه کنید!